

## کتاب حلبی منبعی مکتوب در تألیف الکافی

### احسان سرخه‌ای

#### چکیده

نوشته حاضر - که بخشی از طرح بازسازی کتاب حلبی است - می‌کوشد تا روایات عبیدالله و محمد حلبی در کتاب *الکافی* را بررسی کند و آنها را با سلسله اسناد منابع دیگر حدیثی مقایسه کند و روشن سازد که مقصود از حلبی، اگر به صورت مطلق ذکر شود، کدام یک از دو برادر است. از این رو، ابتدا به معرفی خاندان حلبی پرداخته و سپس از دو برادر سخن گفته و به روایات این دو در کتاب *کافی* پرداخته است.

کلید واژه‌ها: منابع حدیثی، الکافی، عبیدالله حلبی، محمد حلبی، کتاب حلبی.

#### درآمد

مقاله حاضر، بخشی از طرح «بازسازی کتاب عبیدالله بن علی حلبی» است. این طرح - که می‌تواند در ادامه، تدوین مجموعه روایات آل ابی شعبه را نیز به دنبال داشته باشد - می‌کوشد تا:

الف. روایات خاندان حلبی را از مجموعه منابع حدیثی گردآوری کند؛

ب. با بررسی اسناد مندرج در منابع حدیثی، کشف کند که در هر دسته از سلسله اسناد روایات، از عبیدالله حلبی با چه نام یا تعبیری یاد شده است؛

ج. تا حد امکان، احراز کند که کدام یک از روایات از کتاب مشهور حلبی و کدام یک از روایات شفاهی او اخذ شده است؛

د. با بررسی سلسله اسناد و جستجو در متون حدیثی، منابع احتمالی کتاب حلبی را بیابد؛

ه. طرق کلینی، صدوق و شیخ طوسی به روایات کتاب حلبی را گردآورد و پس از دسته‌بندی آنها، طرق مشهور به کتاب حلبی را شناسایی کند؛

و. رجال موجود در این طرق را بررسی کند و به کشف این نکته بپردازد که کدام یک از راویان، بدون آن که خود مؤلف کتابی باشند، روایات حلبی را نقل کرده‌اند و کدام یک از آنان خود صاحب کتابی هستند و چه بسا روایات کتاب حلبی را نیز در کتاب خود درج کرده‌اند؛

ز. در نهایت، روایات کتاب حلبی را بر اساس عنوان‌گذاری فقهی در کتب اربعه و *وسائل الشیعة* دسته‌بندی کند.

این مقاله، حاصل بخش کوتاهی از این طرح است که روایات عبید الله حلبی و برادرش محمد را به عنوان یکی از منابع کلینی در تألیف *الکافی* بررسی می‌کند؛ با این حال، در بررسی اسناد *الکافی*، به مقایسه با سلسله اسناد منابع دیگر حدیثی نیز می‌پردازد. اسناد روایات محمد از آن رو تنظیم شده که با مقایسه اسناد مشابه، معلوم شود مقصود از تعبیر حلبی، به گونه مطلق در روایات، عبید الله است یا برادرش محمد؟

## خاندان حلبی، عبید الله و محمد بن علی

### الف. خاندان حلبی، خانواده‌ای از محدثان متقدم شیعی

خاندان حلبی یا آل ابی شعبه، از خانواده‌های علمی شیعه در عصر امام حسن و امام حسین □ تا امام رضا □ بوده‌اند. از این خاندان برجسته، محدثان و روایان چندی برخاسته‌اند که همگی آنان را از روایان ثقه و مورد اعتماد دانسته‌اند.<sup>1</sup> خاندان حلبی اهل کوفه بودند، اما از آنجا که برای تجارت به حلب رفت و آمد می‌کردند، به حلبی مشهور شدند.<sup>2</sup>

سرسلسله این خاندان، ابوشعبه است که در شمار روایان از حسنین □ از او یاد شده است.<sup>3</sup> برای ابوشعبه فرزندان به نام‌های علی،<sup>4</sup> عمر<sup>5</sup> و عیص<sup>6</sup> یاد کرده‌اند. علی بن ابی شعبه فرزندان به نام‌های عبید الله،<sup>7</sup> عبد الاعلی،<sup>8</sup> عمران<sup>9</sup> و محمد<sup>10</sup> داشته است. عمران فرزندی با نام یحیی داشت که از روایان امام صادق □ و شاگردان آن حضرت به شمار می‌رود و خود نیز مؤلف کتابی بوده است.<sup>11</sup> از عمر بن ابی شعبه نیز فرزندی با نام احمد می‌شناسیم که از روایان امام کاظم و امام رضا □ بوده و کتابی نیز داشته است.<sup>12</sup>

عبیدالله و برادرش محمد - که هر دو در حیات امام صادق □ درگذشتند -<sup>13</sup> در زمره روایان امام صادق □ و مؤلفان کتاب‌اند. مشهورترین عضو خاندان حلبی، عبید الله بن علی حلبی از اصحاب گرانقدر امام جعفر صادق □ و از روایان مشهور شیعی است.<sup>14</sup>

1. رک: *رجال النجاشی*، ص 230.

2. همان.

3. همان.

4. *رجال علامه الحلّی*، ص 103.

5. *رجال البرقی*، ص 36؛ *رجال الطوسی*، ص 253.

6. برقی (*رجال البرقی*، ص 41) از فردی با نام عیص بن ابی شعبه در شمار روایان و اصحاب امام نام می‌برد که ظاهراً باید فرزند ابوشعبه مورد بحث ما باشد. این احتمال نیز دور از ذهن نیست که عیص تصحیف عمر باشد، و این دو، یک تن باشند، که برقی (یا کاتبان کتاب او) نام آنان را به اشتباه جداگانه آورده است.

7. *رجال البرقی*، ص 23؛ *رجال النجاشی*، ص 230؛ *رجال الطوسی*، ص 234؛ *الفهرست*، ص 305.

8. رک: *رجال النجاشی*، ص 98.

9. *رجال الطوسی*، ص 256.

10. *رجال البرقی*، ص 20؛ *رجال النجاشی*، ص 325؛ *رجال الطوسی*، ص 145، 290؛ *الفهرست*، ص 385.

11. *رجال البرقی*، ص 20؛ *رجال النجاشی*، ص 444؛ *رجال الطوسی*، ص 323، 346؛ *الفهرست*، ص 501.

12. *رجال النجاشی*، ص 98. در *الفهرست طوسی* نامی از او نیست.

13. رک: *رجال الکشی*، ص 483.

## ب. عبید الله بن علی حلبی و کتابی معتبر در تاریخ حدیث شیعی

آنچه به عبید الله حلبی ویژگی خاصی می‌بخشد، آن است که وی مؤلف کتابی است که نخستین مصنف شیعی به شمار می‌رود. چنان‌که مشهور است، کتاب حلبی به تأیید امام جعفر صادق (ع) رسیده و امام (ع) با تعبیر «أثری لهؤلاء مثل هذا» آن را ستوده‌اند.<sup>15</sup> صدوق در مقدمه *الفقیه* از کتاب حلبی به عنوان یکی از منابع مورد اعتماد شیعی در تألیف جامع فقهی خود نام می‌برد<sup>16</sup> و قاضی نعمان نیز در *الایضاح* روایات بسیاری را از آن نقل می‌کند.<sup>17</sup>

بنا بر اشاره سید مرتضی، کتاب حلبی تا قرن پنجم به عنوان یک اثر روایی ارجمند موجود بوده است.<sup>18</sup> کتاب حلبی دو نسخه کبیر و صغیر داشته است. از گزارش‌های نجاشی و شیخ طوسی می‌توان دریافت که این دو نسخه در آن دوره‌ها کاملاً از یکدیگر متمایز بوده است. شیخ طوسی از قول ابو عیسی مصری می‌گوید که تلعبری «نسخه کبیره» کتاب حلبی را روایت می‌کرد.<sup>19</sup> همچنین نجاشی می‌نویسد که محمد بن عبد الله بن عمرو لاحقی نسخه‌ای را از امام رضا (ع) روایت می‌کرد که به کتاب حلبی شباهت داشت و همانند آن «مبوبة کبیره» بود.<sup>20</sup>

نجاشی اشاره می‌کند که میان نسخه‌های کتاب حلبی در آغاز آنها اختلافاتی اندک هست:

### النسخ مختلفة الأوانل، و التفاوت فیها قریب.<sup>21</sup>

او در ادامه، می‌افزاید که جمع زیادی از علمای امامیه این کتاب را به طرق بسیار روایت کرده‌اند، اما وی، بنا بر عادت خود، تنها یک طریق برای روایت آن ذکر می‌کند.<sup>22</sup> طریقی که نجاشی برای روایت خود از کتاب حلبی یاد می‌کند، چنین است:

أخبرنا غیر واحد، عن علی بن حبشی بن قونی الکاتب الکوفی، عن حمید بن زیاد، عن عبید الله بن أحمد بن نهیک، عن ابن أبي عمیر، عن حماد عن الحلبي.<sup>23</sup>

14. ر.ک: *رجال النجاشی*، ص 231، که از عبیدالله با عنوان کبیر و وجه آل ابوشعبه یاد می‌کند.
15. *فهرست النجاشی*، ص 230-231؛ شیخ طوسی در *الفهرست* (ص 305) می‌نویسد: «و قيل أنه عرض علی الصادق (ع)، فلما رآه استحسنه و قال: ليس لهؤلاء - یعنی المخالفين - مثله». آن گونه که پیداست، عبید الله حلبی، مؤلف تنها همین کتاب بوده و جز آن اثر دیگری نداشته است؛ چرا که صدوق در مقدمه *الفقیه* از اثر او با نام کتاب الحلبي یاد می‌کند، ولی از مجموعه تألیفات علی بن مهزیار با عنوان کتب علی بن مهزیار نام می‌برد (*الفقیه*، ج 1، ص 3). نجاشی و شیخ طوسی نیز در فهراس خود تنها یک کتاب به حلبی نسبت داده‌اند (ر.ک: *الفهرست نجاشی*، همان؛ *الفهرست*، همان). با این همه، قاضی نعمان در *الایضاح* دو کتاب جداگانه با نام‌های *المسائل* و *الجامع* به حلبی نسبت می‌دهد (ر.ک: «درنگی در منابع مکتوب الايضاح»، ص 142 - 143).
16. *الفقیه*، ج 1، ص 1.
17. ر.ک: «درنگی در منابع مکتوب الايضاح»، ص 142.
18. ر.ک: *رسائل شریف مرتضی*، ج 1، ص 279.
19. *رجال الطوسی*، ص 431.
20. همان، ص 366.
21. همان، ص 231.
22. همان.
23. همان.

شیخ طوسی، در *الفهرست* خود، سه طریق برای روایت کتاب حلبی یاد می‌کند: بدین ترتیب:

- [1] أخبرنا به الشيخ المفيد □، عن أبي جعفر ابن بابويه، عن أبيه، و محمد بن الحسن جمیعاً، عن سعد بن عبد الله، و عبد الله بن جعفر الحميري، عن أحمد و عبد الله ابني محمد بن عيسى الأشعري، عن محمد بن أبي عمير، عن حماد بن عثمان، عن الحلبي.
- [2] و أخبرنا به ابن أبي جيد، عن ابن الوليد، عن الصفار، عن أحمد بن محمد، عن ابن أبي عمير، عن حماد، عن الحلبي.
- [3] و أخبرنا به جماعة، عن التلعكبري، عن أبي عيسى عبيد الله بن محمد بن الفضل بن هلال الطائي، قال: حدثنا أحمد بن علي بن النعمان، قال: حدثنا السندي بن محمد البراز، قال: حدثنا حماد بن عثمان ذو الناب عنه.<sup>24</sup>

ابوغالب زراری در رساله خویش، طریق روایت خود به کتاب عبید الله بن علی حلبی را چنین یاد می‌کند:

حدثني به جدي أبو ظاهر محمد بن سليمان، عن علي بن الحسن بن فضال، عن محمد بن عبد الله بن زرارة، عن ابن أبي عمير، عن حماد، عن الحلبي.<sup>25</sup>

صدوق در *معانی الأخبار*، به نکته جالبی درباره احتمال تصرفی اندک از سوی یکی از راویان اصلی کتاب حلبی در متن آن اشاره می‌کند. او می‌گوید:

قال مصنف هذا الكتاب: سمعت شيخنا محمد بن الحسن بن أحمد بن الوليد يقول: سمعت محمد بن الحسن الصفار، يقول: كل ما كان في كتاب الحلبي، و في حديث آخر، فذلك قول محمد بن أبي عمير □.<sup>26</sup>

### ج. کتاب محمد بن علی حلبی و راوی آن

محمد بن علی حلبی (برادر عبید الله) نیز از محدثان متقدم شیعی است که صاحب کتابی نیز بوده است. نجاشی کتاب او را مبّوب و در حلال و حرام معرفی کرده است. وی طریق خود به کتاب محمد بن علی حلبی را این گونه بیان می‌کند:

أخبرنا ابن نوح عن البروفري، عن حميد قال: حدثنا الحسن بن محمد بن سماعة قال: حدثنا الحسين بن... عن ابن مسكان عنه.<sup>27</sup>

نجاشی در ذیل نام عبدالله بن مسکان می‌نویسد که اکثر روایات کتاب ابن مسکان در حلال و حرام از محمد بن علی حلبی است.<sup>28</sup>

ابوغالب در رساله خود (*رساله أبي غالب*، ص 161) طریق روایت خود به کتاب محمد حلبی را چنین یاد می‌کند:

24. *الفهرست*، ص 305\_306.

25. *رساله أبي غالب*، ص 157، 162. همچنین در *رجال الطوسی*، ص 452 فاطمه بنت هارون بن موسی بن الفرات (از مشایخ تلکبری)، از طریق جدش موسی بن فرات و او از محمد بن ابی عمیر، کتاب عبید الله بن علی الحلبي را از حلبی روایت می‌کرد. با توجه به سلسله اسنادی که از ابوغالب زراری، نجاشی، شیخ طوسی یاد کردیم، پیداست که نام حماد بن عثمان در میان ابن ابی عمیر و حلبی می‌باید به این سند افزوده شود.

26. *معانی الأخبار*، ص 150، ح 3.

27. *رجال النجاشی*، ص 325.

28. همان، ص 214.

## فهرست اسناد روایات عبید الله و محمد بن علی حلبی در الکافی

در این بخش، فهرست غیرتکراری اسناد روایات عبید الله بن علی حلبی و برادرش محمد - که در *الکافی* آمده - تنظیم شده است. در این فهرست، سلسله اسناد، با توجه به طبقه روایان، از اولین راوی کتاب تا کلینی نظم یافته است. تعداد تکرار هر سند در *الکافی* در پایان هر سند در میان کمانک آمده است.<sup>30</sup> درباره این فهرست، باید به چند نکته توجه داشت:

- الف. در مواردی که نام امام □ ذکر نشده، روایت منقول از ابو عبدالله جعفر بن محمد الصادق □ است؛ ب. در نقل سلسله اسناد از متن نسخه چاپ شده کتاب *الکافی* پیروی کرده‌ایم و نتایج حاصل از تحلیل اسناد را تنها در پانوشته‌ها آورده‌ایم؛ اما مواردی که در قلاب قرار گرفته، تکمیل تعلیق اسناد با توجه به روایت قبل از روایت مورد بحث (یا چند روایت قبل از آن) در *الکافی* است؛ ج. در ترتیب اسناد، از چپ به راست نام مؤلف و سپس تشابه نام راوی بعد از مؤلف و ... تا آخرین راوی، ملاک تنظیم قرار گرفته است؛ د. در تنظیم اسناد، اصطلاحات و تعابیر خاص و صریح موجود از هر مؤلف / راوی در روایت نقل شده از حلبی، شناسایی و فهرست شده است. بر اساس همین فهرست، تحلیل‌های خود را در بخش پایانی ارائه خواهیم کرد.

## یک. فهرست غیر تکراری روایات الکافی از عبید الله بن علی بن ابي شعبه الحلبي

1. علی بن ابراهیم < ائیه > محمد بن ابی عمیر < حماد بن عثمان > عبید الله بن علی الحلبي (1).<sup>31</sup>
2. علی بن ابراهیم < ائیه > ابن ابی عمیر < حماد بن عثمان > عبید الله الحلبي (1).<sup>32</sup>
3. علی بن ابراهیم < ائیه > ابن ابی عمیر < حماد بن عثمان > الحلبي (43).<sup>33</sup>
4. علی بن ابراهیم < ائیه > ابن ابی عمیر < حماد بن عثمان > الحلبي و زرارہ<sup>34</sup> (1).<sup>35</sup>

29. رسالته ابي‌غالب، ص 161.
30. تنظیم این فهرست با بهره از نرم‌افزار جامع الاحادیث (تولید مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی - قم) صورت گرفته، و ارجاعات ما به منابع نیز بر پایه متونی است که در این نرم‌افزار مندرج است.
31. *الکافی*، ج 5، ص 356.
32. همان، ج 3، ص 46.
33. همان، ج 3، ص 157، 166، 178، 185، 187، 188، 206، 321، 336، 353، 357، 367 - 368، 373، 377، 382، 427، 563؛ ج 4، ص 121، 125، 266، ص 337، 343، ص 400؛ ج 5، ص 88، 175، 187، 195، ص 393، ص 406، ص 408، ص 522، ص 555؛ ج 7، ص 17، ص 168، ص 214، ص 219، ص 232، ص 234، ص 358، ص 380، ج 8، ص 108.
34. تهذیب الاحکام (ج 3، ص 198، ح 3) با نقل این روایت از *الکافی* می‌گوید: «عن الحلبي، عن زرارة»، اما در *الفقيه* (ج 1، ص 167، ح 486) در سند همین روایت آمده: «روى زرارة و عبید الله بن علی الحلبي». بنا بر این، با توجه به سند بعدی و سند موجود در *الفقيه*، عبارت *الکافی* صحیح است.
35. *الکافی*، ج 3، ص 206.

5. علی بن ابراهیم < آیه > ابن ابی عمیر < حماد بن عثمان < الحلبي و زراره > ابی جعفر و ابی عبد الله (1).<sup>36</sup>
6. علی بن ابراهیم < آیه > ابن ابی عمیر < حماد < الحلبي < زراره > (1).<sup>38</sup>
7. علی بن ابراهیم بن هاشم < آیه > ابن ابی عمیر < حماد بن عثمان < الحلبي > (1).<sup>39</sup>
8. علی < آیه > ابن ابی عمیر < حماد بن عثمان < الحلبي > (2).<sup>40</sup>
9. علی < آیه ><sup>41</sup> < حماد بن عثمان < الحلبي > (1).<sup>42</sup>
10. علی بن ابراهیم < آیه > و محمد بن یحیی عن احمد بن محمد بن عیسی جمیعاً<sup>43</sup> < ابن ابی عمیر < حماد بن عثمان < الحلبي > (1).<sup>44</sup>
11. عدة من أصحابنا < احمد بن محمد < ابن ابی عمیر < حماد بن عثمان < الحلبي > (1).<sup>45</sup>
12. علی بن ابراهیم < آیه > ابن ابی عمیر < حماد < الحلبي > (297).<sup>47</sup>

36. همان، ج 3، ص 185.

37. در مجموعه کتب اربعه، *وسائل الشیعة و بحار الانوار*، تنها همین روایت است که به سند «الحلبی، عن زرارة» آمده است و هیچ روایتی که از عبید الله حلبی، عن زرارة باشد، یافت نمی‌شود. البته در *الفقیه* (ج 1، ص 393، ح 1164) در نقل روایتی آمده: «روی عبید الله بن علی الحلبي، عن زرارة، عن أبی عبد الله □». اما همان روایت را نیز، *تهذیب الأحکام* (ج 2، ص 317، 349) با این سند نقل می‌کند: «احمد بن محمد، عن ابن أبی عمیر، عن حماد بن عثمان، عن عبید الله الحلبي، عن أبی عبد الله □». بنا بر این، جز روایت متن، سندی که ثابت کند عبید الله از زرارة روایت کرده، در دست نیست؛ هر چند روایات متعددی به اسناد دیگر، از محمد الحلبي، عن زرارة وجود دارد (ر.ک: *الكافي*، ج 5، ص 529؛ *المحاسن*، ج 1، ص 121؛ *تفسیر العیاشی*، ج 2، ص 224؛ *ثواب الأعمال*، ص 242).

38. *الكافي*، ج 3، ص 183.

39. همان، ج 3، ص 310.

40. همان، ج 4، ص 332، ج 6، ص 100.

41. با مقایسه بقیه اسناد به روشنی پیداست که عبارت «عن ابن ابی عمیر» از این سند ساقط شده است. در *نقل تهذیب الأحکام* (ج 5، ص 93، ح 114) از *الكافي* نیز همین اشکال وجود دارد.

42. *الكافي*، ج 4، ص 336.

43. تحویل سند به این صورت است: [1] علی بن ابراهیم، عن آیه، عن ابن ابی عمیر. [2] محمد بن یحیی، عن احمد بن محمد بن عیسی جمیعاً، عن ابن ابی عمیر.

44. *الكافي*، ج 6، ص 202.

45. همان، ج 3، ص 48.

46. در بعضی موارد، سند فوق، مضمّن است و یا نام امام □ برده نشده است. این موارد عبارت‌اند از: *الكافي*، ج 4، ص 335، ح 1؛ ج 4، ص 497، ح 4؛ ج 5، ص 235، ح 11. شایان یادآوری است که روایت اخیر در *الفقیه* (ج 3، ص 310، ح 4110) و *الاستبصار* (ج 3، ص 118، ح 1) به صورت مسند از ابی عبد الله □ نقل شده است.

47. *الكافي*، ج 1، ص 451، 546، ج 2، ص 82، 148، ج 3، ص 4، 12، 33، 34 (دو مورد)، 43، 49، 51، 54، 56، 63، 75، 121، 124، 138، 143 - 144، 161، 183 - 184، 186، 189، 194، 251، 273، 286، 294، 300، 302، 304 - 305، 318، 341، 349، 356 - 364، 366، 380، 383، 386، 388، 396، 398، 410، 425، 431، 439، 443، 445، 452، 512، 524؛ ج 4، ص 92، 96، 101، 106، 112، 114، 114، 120 (دو مورد)، 120، 129، 123، 124 - 126، 131، 135، 138، 168، 175 (دو مورد)، 176 (دو مورد)، 178، 226، 232، 269 - 292، 273، 319، 323، 329، 331، 335، 340 - 341، 344، 349، 360 - 361، 375، 383، 394 - 399، 396، 416، 414، 437، 437، 440 - 441، 443، 445، 462، 463، 482، 489 (دو مورد)، 490 - 491، 497، 499، 500، 509، 518، 511، 533 (دو مورد)، 541؛ ج 5، ص 42، 145، 164 - 165، 170، 174، 176 - 177، 179، 181، 183 - 184، 188 - 189، 193 (دو مورد)، 197، 199، 201، 210، 212، 221، 223، 235، 238، 240 - 241، 243 (دو مورد)، 245، 247، 249، 253 - 254، 258 - 259، 266، 267 (دو مورد)، 268 - 269

13. علی بن ابراهیم < ابیه > ابن ابی عمیر < حماد بن عثمان > عبید الله الحلبي و محمد بن مسلم<sup>48</sup> (1).<sup>49</sup>
14. علی بن ابراهیم < ابیه > ابن ابی عمیر < حماد > الحلبي و محمد بن مسلم (5).<sup>50</sup>
15. علی بن ابراهیم < ابیه > ابن ابی عمیر < جمیل > أبی عبد الله □ و حماد بن عثمان<sup>51</sup> < الحلبي (1).<sup>52</sup>
16. علی بن ابراهیم < ابیه > ابن ابی عمیر < حماد > الحلبي < جمیل<sup>53</sup> و هشام (1).<sup>54</sup>
17. علی بن ابراهیم < ابیه > ابن ابی عمیر < جمیل و حماد<sup>55</sup> > الحلبي (1).<sup>56</sup>
18. علی بن ابراهیم < ابیه > ابن ابی عمیر < حماد > الحلبي < ابی العباس<sup>57</sup> (1).<sup>58</sup>
19. علی بن ابراهیم < ابیه > ابن ابی عمیر < حماد > الحلبي بن ابی شعبه<sup>59</sup> قال: أخبرني ابن ابی ایوب (1).<sup>60</sup>

272 - 274, 284, 307, 352, 359, 379, 391, 407, 415, 418, 426 (دو مورد)، 432, 427 - 434, 435 - 437, 441, 443 - 444, 445 (دو مورد)، 472 - 475, 473 - 472, 475, 476 - 475, 485, 479, 476, 490, 6, ص 41, 60, 69, 72, 79, 82 - 83, 89, 109 (دو مورد)، 110, 111, 114, 117 - 118, 123, 126, 136, 139, 144, 147, 163 - 164, 170, 171 (دو مورد)، 178, 180, 182 (دو مورد)، 187, 197, 205, 212 - 213, 216 - 217, 227, 231, 233 - 234, 236, 245 (دو مورد)، 260, 267, 272, 283, 383, 481, 502, 534, 552؛ ج 7، ص 4, 34, 41, 56, 134, 141, 141, 151, 160, 163, 169, 193, 196 - 197, 206, 224, 227, 236, 240, 251, 274, 279, 290, 298 (دو مورد)، 304, 311, 318, 322, 326, 328, 351, 353, 356, 360, 370, 386, 390, 393, 415, 441 (دو مورد)، 449 - 450, 453, 456

48. تحویل در این سند و سند بعدی به این صورت است: [1] علی بن ابراهیم، عن ابیه، عن ابن ابی عمیر، عن حماد بن عثمان، عن عبید الله الحلبي. [2] علی بن ابراهیم، عن ابیه، عن ابن ابی عمیر، عن حماد بن عثمان، عن محمد بن مسلم.

49. الكافي، ج 7، ص 48.

50. همان، ج 5، ص 490؛ ج 6، ص 164، 197؛ ج 7، ص 4، 169.

51. حماد بن عثمان عطف به جمیل است و ابن ابی عمیر از هر دو نقل نموده است.

52. الكافي، ج 7، ص 32.

53. در تهذیب الأحكام (ج 6، ص 229، ح 4) در نقل همین روایت با سند فوق آمده است: «عن حماد، عن الحلبي و جمیل و هشام». به قرینه سند قبل و با توجه به این که در سند، هیچ روایتی جمیل به عنوان راوی از حلبي نیامده، می‌توان پی برد که در سند الكافي نیز به جای «الحلبي عن»، باید «الحلبي و» صحیح باشد. از نظر طبقه نیز جمیل با حماد در یک طبقه است، بنا بر این، سند مذکور تحویل شده و ابن ابی عمیر از «حماد از حلبي» و «جمیل» و «هشام» روایت می‌کند.

54. الكافي، ج 7، ص 415.

55. در وسائل الشیعة (ج 29، ص 195، ح 35431) در سند این روایت آمده: «عن جمیل و عن حماد عن الحلبي». هر چند در برخی اسناد کافي (ج 5، ص 375، 421؛ ج 6، ص 158؛ ج 7، ص 110) عبارت جمیل بن دراج و حماد بن عثمان آمده است، اما با توجه به پانویشت پیشین، ظاهراً جمیل مستقیماً از امام □ روایت می‌کند. جالب توجه است که کلینی در همان صفحه و به همین سند، مضمون همین حدیث را جداگانه از جمیل روایت می‌کند.

56. الكافي، ج 7، ص 281.

57. مراد از ابی العباس، فضل بن عبد الملك البقباقي است. ر.ک: رجال الکشي، ص 336 (که مضمون همین روایت را با سندی دیگر از ابو العباس فضل البقباقي نقل کرده است) و 383 (که همین روایت با اختلاف تکرار شده است).

58. الكافي، ج 7، ص 370.

59. متن روایت در الكافي چنین است: «أن ابا عبد الله □ كان يأكل متربعاً، قال: و رأيت ابا عبد الله □ يأكل متكنئاً، قال: و قال: ما أكل رسول الله □ و هو متكئٌ فقط». متن و سند این روایت در نقل دیگران از الكافي، با متن چایی و نیز با همدیگر اختلاف دارد. در تهذیب الأحكام (ج 9، ص 93، ح 136) آمده است: «عن الحلبي، عن ابن ابی شعبه قال: أخبرني أبی أنه رأى أبا عبد الله □ متربعاً، قال: و رأيت...»؛ و در وسائل الشیعة (ج 24، ص 249، ح 30463) آمده است: «عن

20. علی بن ابراهیم < آبیہ > ابن ابی عمیر < حماد > الحلبی و ابن سنان <sup>61</sup> (1).<sup>62</sup>
21. علی بن ابراهیم < آبیہ > ابن ابی عمیر < حماد > الحلبی و عبد الله بن سنان (1).<sup>63</sup>
22. علی < آبیہ > ابن ابی عمیر < حماد > الحلبی و عبد الله بن سنان (1).<sup>64</sup>
23. علی بن ابراهیم < آبیہ > ابن ابی عمیر < حماد > الحلبی < عبد الله بن المغیره > عبد الله بن سنان (1).<sup>66</sup>
24. [عدة من أصحابنا < سهل > احمد بن محمد < داود بن سرحان و علی بن ابراهیم < آبیہ > ابن ابی عمیر < حماد > الحلبی (1).<sup>68</sup>
25. علی < آبیہ > ابن ابی عمیر < حماد > الحلبی <sup>69</sup> (20).<sup>70</sup>

الحلبی بن علی بن ابی شعبه آنه رأى ابا عبد الله □ متربعا قال: و رأيت...». این دو نقل، احتمال تصحیف در عبارت ابن ابی ایوب را به شدت تقویت می‌کند. چه بسا حلبی این واقعه را از جدش نقل می‌کند؛ یعنی «الحلبی عن ابی شعبه» صحیح باشد. از سوی دیگر، در *الفقیه* (ج 3، ص 354، ح 4249) آمده است: «روی عن عمر بن ابی شعبه قال: رأیت ابا عبد الله □ یاکل متکئا ثم ذکر رسول الله □ فقال ما أكل متکئا حتى مات. و روی عن حماد بن عثمان، عن عمر بن ابی شعبه، عن ابی شعبه أنه رأى ابا عبد الله □ یاکل متربعا» (نیز، ر.ک: *مکارم الأخلاق*، ص 146، با عباراتی مشابه عبارت *الفقیه*). هرچند حماد بن عثمان در *مشیخة الفقیه* به عنوان طریق به عمر بن ابی شعبه نقل شده، اما راوی از او جعفر بن بشیر است و آن طریق کاملاً با طریق مورد بحث متفاوت است. کلینی دو بار در *الکافی* (ج 3، ص 329؛ ج 7، ص 34) از عمر بن ابی شعبه روایت نقل می‌کند که در هر دو مورد به طریق ابن فضال از احمد بن عمر (فرزند عمر بن ابی شعبه) است و ابن ابی عمیر در آن نیست. مجموعه این قراین نشان می‌دهد که احتمال آن که عبید الله و عمر این روایت را از ابی شعبه نقل نموده باشند و کلینی از عبید الله و صدوق از عمر آن را روایت کرده باشند، بیش از این است که راوی هر دو روایت را یک تن بدانیم. البته احتمال نقل ماجرای از ابی شعبه در باره امام صادق □ با توجه به طبقه‌اش بسیار ضعیف به نظر می‌رسد. در *المحاسن* (ج 2، ص 458، ح 395) روایتی مشابه این روایت با این سند آمده است: «عنه [احمد بن محمد بن خالد البرقی]، عن ابن ابی عمیر، عن حماد بن عثمان، عن عمر بن ابی سعید قال: أخبرنی ابی أنه رأى ابا عبد الله □ ...». اگر مراد از ابی سعید در این سند، ابن ابی شعبه باشد و یا ابی سعید تصحیف ابن ابی شعبه باشد، احتمال وجود روایت عمر بن ابی شعبه در کتب ابن ابی عمیر تقویت می‌شود و بدین ترتیب، روایت مذکور از کتاب حلبی نخواهد بود.

60. *الکافی*، ج 6، ص 272.
61. مراد از ابن سنان، عبد الله بن سنان است. تحویل در سند بدین صورت است: [1] علی بن ابراهیم، عن آبیہ، عن ابن ابی عمیر، عن حماد، عن الحلبی، [2] علی بن ابراهیم، عن آبیہ، عن ابن ابی عمیر، عن ابن سنان. طریق دوم نیز از طرق مشهور *الکافی* است.
62. *الکافی*، ج 6، ص 178.
63. همان، ج 7، ص 151.
64. همان، ج 5، ص 445.
65. یکی از طرق مشهور *الکافی*، طریق علی بن ابراهیم، عن آبیہ، عن عبد الله بن المغیره، عن عبد الله بن سنان است که نزدیک سی بار در *الکافی* تکرار شده است. از این رو، باید عبارت ابن ابی عمیر و عبد الله بن المغیره را به جای ابن ابی عمیر عن عبد الله بن المغیره صحیح دانست. البته کلینی در ده مورد دیگر و به طرق مختلف، روایاتی با سند عن ابن ابی عمیر عن عبد الله بن المغیره نقل کرده است.
66. *الکافی*، ج 4، ص 120.
67. تحویل سند به این صورت است: [1] [عدة من أصحابنا، عن سهل، عن احمد بن محمد، عن داود بن سرحان. [2] علی بن ابراهیم، عن آبیہ، عن ابن ابی عمیر، عن حماد عن الحلبی.
68. *الکافی*، ج 5، ص 407.
69. در *الکافی* روایت مضمور است و با تعبیر «أنه سئل» نقل شده، اما همین روایت با اندکی تفاوت در *الفقیه* (ج 3، ص 546، ح 4882؛ ج 4، ص 311، ح 5669) با این سند آمده است: «روی حماد عن الحلبی عن ابی عبد الله □».
70. *الکافی*، 1، ص 548؛ ج 3، ص 283، 378، 409، 450؛ ج 4، ص 357، 363، 520؛ ج 5، ص 235، 445؛ ج 6، ص 103، 106، 114، 123، 130، 156، 173؛ ج 7، ص 300، 302، 349.



26. عنه [= علی بن ابراهیم] < آیه > ابن ابی عمیر < حماد > الحلبي (5). *Archive of SID*<sup>1</sup>
27. علی بن ابراهیم < آیه > و محمد بن یحیی < احمد بن محمد بن عیسی جمیعاً<sup>72</sup> > ابن ابی عمیر < حماد > الحلبي (3).<sup>73</sup>
28. علی بن ابراهیم < آیه > و محمد بن یحیی < احمد بن محمد جمیعاً > ابن ابی عمیر < حماد > الحلبي (13).<sup>74</sup>
29. علی بن ابراهیم < آیه > و محمد بن یحیی < احمد بن محمد > ابن ابی عمیر < حماد > الحلبي (1).<sup>75</sup>
30. علی بن ابراهیم < آیه > ابن ابی عمیر و محمد بن یحیی < احمد بن محمد جمیعاً > ابن ابی عمیر < حماد > الحلبي (1).<sup>76</sup>
31. علی بن ابراهیم < آیه > ابن ابی عمیر < حماد > الحلبي و معاویة بن عمار جمیعاً<sup>77</sup> (1).<sup>78</sup>
32. علی بن ابراهیم < آیه > ابن ابی عمیر < حفص بن البختری و عبد الرحمن بن الحجاج و حماد بن عثمان<sup>79</sup> > الحلبي (1).<sup>80</sup>
33. علی بن ابراهیم < آیه > ابن ابی عمیر < حماد > الحلبي < معاویة بن عمار و حفص بن البختری (1).<sup>81</sup>

71. *الکافی*، ج 2، ص 664؛ ج 3، ص 303، 365؛ ج 4، ص 140؛ ج 5، ص 242.
72. تحویل سند به این صورت است: [1] علی بن ابراهیم، عن آیه، عن ابن ابی عمیر. [2] محمد بن یحیی، عن احمد بن محمد بن عیسی، عن ابن ابی عمیر.
73. *الکافی*، ج 3، ص 513، 516؛ ج 7، ص 181.
74. همان، ج 4، ص 98، 104، 105، 109، 233، 248، 381؛ ج 5، ص 186، 387، 398؛ ج 7، ص 183، 222، 283.
75. همان، ج 5، ص 178.
76. همان، ج 4، ص 108.
77. تحویل سند به این صورت است: [1] علی بن ابراهیم، عن آیه، عن ابن ابی عمیر، عن حماد عن الحلبي. [2] علی بن ابراهیم، عن آیه، عن ابن ابی عمیر، عن معاویة بن عمار.
78. همان، ج 4، ص 331.
79. در *الفقیه* (ج 2، ص 320، ح 2562) در نقل همین روایت آمده است: «روی حفص بن البختری و معاویة بن عمار و عبد الرحمن بن الحجاج و الحلبي جمیعاً».
80. تحویل سند به این صورت است: [1] ابن ابی عمیر، عن حفص بن البختری. [2] ابن ابی عمیر، عن عبد الرحمن بن الحجاج. [3] ابن ابی عمیر، عن حماد بن عثمان، عن الحلبي. این تحویل را می‌توان با توجه به نکات ذیل به دست آورد: [1] در *الکافی* (ج 4، ص 536؛ ج 8، ص 163) دو روایت دیگر با سند «علی بن ابراهیم، عن آیه، عن ابن ابی عمیر، عن حفص بن البختری و عبد الرحمن بن الحجاج، عن ابی عبد الله □» نقل شده است. [2] طریق «ابن ابی عمیر، عن حفص بن البختری» از طرق بسیار مشهور *الکافی* است که بیش از شصت بار تکرار شده است. [3] طریق «ابن ابی عمیر، عن عبد الرحمن بن الحجاج» نیز از طرق مشهور *الکافی* است که بیش از پنجاه بار تکرار گردیده است. [4] طریق «ابن ابی عمیر، عن حماد عن الحلبي» نیز از طرق مورد بحث در همین فهرست است که نیازی به اشاره بدان نیست.
81. همان، ج 4، ص 333.
82. به فرینه اسناد قبلی و بعدی «و معاویة بن عمار» صحیح است و معاویة بن عمار و حفص بن البختری عطف به حماد شده است.
83. همان، ج 4، ص 533.

34. علی بن ابراهیم < أبیه > ابن ابی عمیر < حماد > الحلبي و معاوية بن عمار و حفص بن البختري (1).<sup>84</sup>
35. علی بن ابراهیم < أبیه > ابن ابی عمیر < حفص بن البختري و معاوية بن عمار و حماد > الحلبي جميعاً<sup>85</sup> (1).<sup>86</sup>
36. علی بن ابراهیم < أبیه > ابن ابی عمیر < معاوية بن عمار و حماد<sup>87</sup> > الحلبي جميعاً (1).<sup>88</sup>
37. علی بن ابراهیم < أبیه > ابن ابی عمیر < معاوية و حماد > الحلبي (1).<sup>89</sup>
38. علی بن ابراهیم < أبیه > ابن ابی عمیر < معاوية بن عمار<sup>90</sup> و حماد > الحلبي (1).<sup>91</sup>
39. علی بن ابراهیم < أبیه > ابن ابی عمیر < معاوية و حماد > الحلبي (1).<sup>92</sup>
40. محمد بن یحیی < احمد بن محمد و علی بن ابراهیم<sup>93</sup> > أبیه جميعاً < ابن ابی عمیر > حماد < الحلبي (1).<sup>94</sup>
41. علی بن ابراهیم < أبیه > محمد بن ابی عمیر < حماد > الحلبي (1).<sup>95</sup>
42. علی بن ابراهیم < أبیه > ابن عمیر < حماد > الحلبي (1).<sup>96</sup>
43. علی بن ابراهیم < أبیه > حماد < الحلبي (1).<sup>98</sup>
44. علی بن ابراهیم < أبیه > حماد < الحلبي ><sup>99</sup> حریر < محمد بن مسلم (1).<sup>100</sup>

84. همان، ج 6، ص 180.

85. تحویل سند به این صورت است: [1] ابن ابی عمیر، عن حفص بن البختري، [2] ابن ابی عمیر، عن معاوية بن عمار. [3] ابن ابی عمیر، عن حماد عن الحلبي. این نکته را با مقایسه اسناد قبل و بعد به روشنی می توان دریافت.

86. همان، ج 4، ص 458.

87. تحویل به این صورت است: [1] ابن ابی عمیر، عن معاوية بن عمار. [2] ابن ابی عمیر، عن حماد عن الحلبي.

88. همان، ج 4، ص 483.

89. همان، ج 4، ص 468.

90. در تهذیب الأحكام (ج 5، ص 272، ح 4) و وسائل الشیعة (ج 14، ص 277، ح 19191) همین روایت از الکافی نقل شده است، اما عبارت «عن معاوية بن عمار و» در آنها نیست.

91. الکافی، ج 4، ص 520.

92. همان، ج 4، ص 468.

93. تحویل سند به این صورت است: [1] علی بن ابراهیم، عن أبیه، عن ابن ابی عمیر، عن حماد عن الحلبي. [2] محمد بن یحیی، عن احمد بن محمد، عن ابن ابی عمیر، عن حماد عن الحلبي.

94. همان، ج 5، ص 185.

95. همان، ج 5، ص 353.

96. همان، ج 6، ص 215.

97. با مقایسه بقیه اسناد، سقط نام ابن عمیر از سند آشکار است.

98. همان، ج 4، ص 558.

99. در تهذیب الأحكام (ج 9، ص 73، ح 45) و وسائل الشیعة (ج 24، ص 42، ح 29937) همین روایت از الکافی نقل شده، اما نام «الحلبي» در آنها نیست. همچنین در الفقیه (ج 3، ص 333، ح 4190) همین روایت با سند «عن حماد، عن حریر، عن محمد بن مسلم» نقل شده و نامی از الحلبي نیامده است. لذا به نظر می آید نام الحلبي در این سند زاید باشد. نکته دیگر، این که راوی حریر در سند مشهور الکافی، حماد بن عیسی است که با توجه به طبقه اش، ابراهیم بن هاشم می تواند مستقیماً از او نقل کرده باشد. در این صورت، احتمال سقط در سند نیز منتفی خواهد بود.

100. الکافی، ج 6، ص 237.

45. [علی بن ابراهیم] < ائیه و محمد بن یحیی > أحمد بن محمد جمیعاً<sup>101</sup> < ابن ابی عمیر > [حماد < الحلبي (1).<sup>102</sup>
46. [علی بن ابراهیم] < ائیه > [ ابن ابی عمیر < حماد < الحلبي (2).<sup>103</sup>
47. [علی بن ابراهیم] < ائیه < ابن ابی عمیر < حماد] < الحلبي (1).<sup>104</sup>
48. علی بن ابراهیم < ائیه < ابن ابی عمیر < حماد بن عثمان<sup>105</sup> (1).<sup>106</sup>
49. علی بن ابراهیم < ائیه < ابن ابی عمیر < حماد بن عیسی<sup>107</sup> < الحلبي (1).<sup>108</sup>
50. عدة من أصحابنا < سهل بن زیاد < الحجال<sup>109</sup> < حماد < الحلبي (1).<sup>110</sup>
51. علی بن ابراهیم < ائیه < ابن ابی عمیر < من رواه < الحلبي (1).<sup>111</sup>
52. علی بن ابراهیم < ائیه و محمد بن اسماعیل < الفضل بن شاذان<sup>112</sup> جمیعاً<sup>113</sup> < ابن ابی عمیر < ابراهیم بن عبد الحمید<sup>114</sup> < عبید الله بن علی الحلبي (1).<sup>115</sup>
53. علی بن ابراهیم < محمد بن عیسی < یونس<sup>116</sup> < عبید الله الحلبي < رجل < ابی جعفر □ (1).<sup>117</sup>

101. تحویل سند به این صورت است: [1] علی بن ابراهیم، عن ائیه، عن ابن ابی عمیر، عن حماد عن الحلبي. [2] محمد بن یحیی، عن احمد بن محمد، عن ابن ابی عمیر، عن حماد عن الحلبي.
102. همان، ج 4، ص 76.
103. همان، ج 4، ص 437، ج 5، ص 183.
104. همان، ج 6، ص 172.
105. این روایت در *تهذیب الأحکام* (ج 7، ص 2، ح 1) از *الكافي* با این سند نقل شده است: «عن حماد، عن الحلبي، عن ابی عبدالله □».
106. همان، ج 5، ص 148.
107. این روایت با همین سند در *تهذیب الأحکام* (ج 3، ص 261، ح 56) نقل شده، اما به جای حماد بن عیسی، حماد بن عثمان آمده است. در *وسائل الشیعة* (ج 5، ص 285، ح 6563) و *بحار الأنوار* (ج 19، ص 120، ح 6) این روایت از *الكافي* نقل شده و در سند آن تنها تعبیر عن حماد آمده است.
108. *الكافي*، ج 3، ص 296.
109. مراد، ابی محمد عبد الله الحجال است.
110. همان، ج 8، ص 176.
111. همان، ج 2، ص 258.
112. در اسناد *الكافي*، محمد بن اسماعیل، هیجده روایت از عبیدالله و محمد حلبي را از طریق فضل بن شاذان نقل می‌کند که تنها سند همین روایت «عن ابن ابی عمیر، عن ابراهیم بن عبد الحمید، عن عبید الله» است و در بقیه موارد، فضل بن شاذان از طریق «صفوان بن یحیی، عن ابن مسکان، عن محمد الحلبي» روایت می‌کند. شایان توجه است که در *الكافي*، روایات فضل بن شاذان منحصرأً از طریق محمد بن اسماعیل نقل شده است. از این رو، احتمال ترکیب و اختلال دو سند وجود دارد؛ یعنی عبید الله و محمد حلبي هر دو این روایت را نقل نموده و سند مرتبط با محمد از طریق محمد بن اسماعیل، عن الفضل بن شاذان با سند عبید الله از طریق علی بن ابراهیم، عن ائیه، عن ابن ابی عمیر با هم ترکیب و نام حماد نیز حذف شده باشد. البته وجود ابراهیم بن عبد الحمید در سلسله سند - که به آن ویژگی خاصی داده و احتمال وجود روایت در یکی از کتاب‌های ابن ابی عمیر را قوت می‌بخشد - فرضیه فوق را تضعیف می‌نماید. تعبیر از نام کامل عبید الله بن علی الحلبي نیز می‌تواند مؤید آن باشد.
113. تحویل سند به این صورت است: [1] علی بن ابراهیم، عن ائیه، عن ابن ابی عمیر. [2] محمد بن اسماعیل، عن الفضل بن شاذان، عن ابن ابی عمیر.
114. در *الكافي*، سند «محمد بن اسماعیل، عن الفضل بن شاذان، عن ابن ابی عمیر، عن ابراهیم بن عبد الحمید» در سی مورد تکرار شده است.
115. همان، ج 2، ص 114.

54. محمد بن یحیی < احمد بن محمد < ابن فضال < ابن بکیر < عبید الله الحلبي (2).

116. مجموعه روایاتی که در منابع حدیثی از یونس به یکی از افراد خاندان حلبی می‌رسد، به شرح زیر است:

[1] در دو روایت یونس مستقیماً از عبید الله الحلبي روایت می‌کند: نخست، سند مذکور در *الکافی* (ج 7، ص 352) - که بحث آن خواهد آمد - و دیگر روایت مذکور در *تهذیب الأحکام* (ج 6، ص 227) با این سند: «عن علی بن ابراهیم، عن أبيه، عن اسماعيل بن مرارة، عن يونس، عن عبید الله بن علی الحلبي قال: قال ابو عبد الله □: قال: أمير المؤمنين □». مشابه همین سند در *بشارة المصطفى* (ص 143) به این صورت آمده است: «أخبرني الشيخ أبو محمد الحسن بن الحسين بن بابويه - إجازة و قراءة علي و لده بعد أن نسخته من أصله سنة عشرة و خمسمائة - عن محمد بن الحسن بن الحسين، عن عمه أبي جعفر محمد بن علي بن بابويه الفقيه القمي قال: حدثني محمد بن علي بن ابراهیم، عن أبيه، عن إسماعيل بن مرارة، عن يونس بن عبد الرحمن، عن يحيى الحلبي، عن أبي المعزى، عن يزيد بن خليفة قال: قال لي أبو عبد الله □. هر چند عبارت محمد بن علی بن ابراهیم در *بشارة المصطفى* نادرست به نظر می‌رسد و باید صورت صحیح آن، علی بن ابراهیم باشد (زیرا طریق «علی بن ابراهیم، عن أبيه، عن اسماعيل بن مرارة، عن يونس بن عبد الرحمن» از طرق مشهور *الکافی* است که صد بار تکرار شده است)، اما با مقایسه سند *تهذیب الأحکام* و *بشارة المصطفى* و قراینی که خواهد آمد، احتمال اشتباه در *تهذیب الأحکام* قوت می‌یابد. یک روایت یونس نیز در *معانی الأخبار* (ص 32، ح 2) با واسطه از عبید الله نقل شده است؛ به این سند: «أبي □ قال: حدثنا محمد بن أحمد بن علي بن الصلت، عن عبد الله بن الصلت، عن يونس بن عبد الرحمن، عن ذكره، عن عبید الله بن الحلبي».

[2] دو روایت در *الکافی* (ج 4، ص 91؛ ج 7، ص 278) با سند «علی بن ابراهیم، عن محمد بن عیسی، عن يونس، عن عبد الله بن مسكان، عن الحلبي» آمده است که مراد از الحلبي، محمد الحلبي است. روایتی دیگر نیز از محمد الحلبي به واسطه مفضل بن صالح در *الکافی* (ج 8، ص 267) نقل شده است.

[3] در هشت روایت (*الکافی*، ج 2، ص 180؛ ج 7، ص 77، 125، 246؛ *رجال الکشي*، ص 299؛ *بشارة المصطفى*، ص 140، 143؛ *تأويل الآيات الظاهرة*، ص 787) یونس مستقیماً از یحیی الحلبي روایت می‌کند.

[4] دو روایت در *الکافی* (ج 2، ص 114، ح 7 و ح 9) با عبارت «یونس عن الحلبي رفعه قال: قال رسول الله □» آمده است که مراد از حلبی در آن، احتمالاً یحیی الحلبي است؛ اما در سند روایتی دیگر، در *الکافی* (ج 7، ص 194، ح 3) تعبیر «یونس عن الحلبي» به طور مطلق آمده که احتمال آن که مراد از الحلبي در آن، عبید الله باشد وجود دارد؛ زیرا در *الفقيه* (ج 4، ص 27، ح 5003) آمده است: «فی روایة الحلبي»، و شیخ طوسی نیز - که مستقیماً از کتاب یونس نقل می‌کند - می‌گوید: «یونس بن عبد الرحمن، عن الحلبي».

با توجه به طبقه یونس و نقل مستقیم او از یحیی و ابن مسکان، و با بررسی اسنادی که در آنها تصریح به عبید الله شده و آنچه به نحو مطلق آمده و احتمال می‌رود که مراد از آن، عبید الله باشد، می‌توان نتیجه گرفت که نقل مستقیم یونس از عبید الله بعید به نظر می‌رسد و احتمال سقط در اسناد وجود دارد؛ اما احتمال قوی‌تر، آن است که کاتبان نسخ، نام یحیی الحلبي (یا الحلبي) را، به اشتباه، به عبید الله تبدیل کرده باشند؛ زیرا - چنان که گذشت - یونس یکی از راویان یحیی الحلبي است. افزون بر این، در *رجال الکشي* (ص 488) می‌خوانیم: «قال نصر بن الصباح: لم يرو يونس عن عبید الله و محمد ابني الحلبي قط و لا أهما، و ماتا فی حياة أبي عبد الله □». به نظر می‌رسد در همه مواردی که یونس مستقیماً از الحلبي روایت می‌کند، مراد یحیی الحلبي است.

مسأله اینجاست که اگر در روایت متن ببذیریم یحیی الحلبي صحیح است، آیا یحیی الحلبي می‌تواند با یک واسطه از امام باقر □ روایت کند یا نه؟ پاسخ این است که در همه مواردی که سند یحیی به امام باقر □ ختم می‌شود، میان او و امام □ دو تن واسطه وجود دارد، مگر در روایاتی که او از طریق ابو بصیر روایت می‌کند. در منابع حدیثی (مندرج در نرم افزار جامع الاحادیث)، میان یحیی و ابو بصیر یکی از راویان ذیل واسطه‌اند: هارون بن خارجه، ابي سعيد المکاري، ابي الصباح الكناني، عبد الله بن مسکان، معلی ابي عثمان، سليمان بن داود، ايوب بن الحر، المثنى، عمران بن علی الحلبي، اسحاق بن عمار، ابي المغراء، خلف بن حماد. اما در برخی منابع (*بصائر الدرجات*، ص 107، ح 4؛ *المحاسن*، ج 1، ص 148، ح 60؛ *معانی الأخبار*، ص 215، ح 1؛ *تأويل الآيات الظاهرة*، ص 173)، عبارت «النضر بن سويد عن يحيى الحلبي عن أبي بصير» آمده که بنا بر آن، می‌توان گفت یحیی می‌توانسته بدون واسطه از ابوبصیر روایت کند.

117. همان، ج 7، ص 352.

118. همان، ج 3، ص 359، ج 6، ص 42.

55. عدة من أصحابنا < سهل بن زياد > احمد بن محمد بن ابى نصر < عبد الله بن بكير >

الحلبى (1).<sup>120</sup>

56. عدة من أصحابنا < احمد بن محمد > محمد بن الحسن < عبيد الله الدهقان > احمد بن عائذ

< عبيد الله الحلبى (1).<sup>121</sup>

57. عدة من أصحابنا < احمد بن محمد > الحسين بن سعيد < النضر بن سويد > يحيى الحلبى <

عمه عبيد الله (1).<sup>123</sup>

58. على بن ابراهيم < ابيه > ابن ابى عمير < حماد > محمد بن مسلم،<sup>125</sup> قال: قلت لأبى جعفر □

(1).<sup>126</sup>

## دو. فهرست غير تكرارى روايات الكافي از محمد بن علي بن ابي شعبة الحلبى

1. احمد بن ادریس < محمد بن عبد الجبار > صفوان < ابن مسكان > الحلبى (1).<sup>127</sup>

2. ابو على الأشعري < محمد بن عبد الجبار > صفوان بن يحيى < ابن مسكان > محمد الحلبى

(1).<sup>128</sup>

119. در منابع حدیثی، تنها سه روایت وجود دارد که ابن بکیر از حلبی روایت کرده است. هر سه روایت نیز در *الكافي* نقل شده است. دو روایت آن، در *الكافي* به سندی که در متن فوق ذکر شده است (ج 3، ص 359، ح 9؛ ج 6، ص 42، ح 1)، و روایت دیگر با سند «عدة من أصحابنا، عن سهل بن زياد، عن أحمد بن محمد بن أبي نصر، عن عبد الله بن بكير، عن الحلبي» (ج 4، ص 184، ح 2) که مراد از حلبی در آن مشخص نیست. در *المحاسن* (ج 2، ص 330، ح 93) این روایت به صورت مفصل تر با سند «عنه [احمد بن ابى عبد الله البرقى]، عن أبيه، عن احمد بن محمد بن ابى نصر، عن عبد الكريم الحلبي» نقل شده که صحیح آن باید عبد الکریم عن الحلبي باشد؛ هر چند احتمال تصحیف عبد الله بن بکیر به عبد الکریم منتفی نیست. در *وسائل الشیعة* (ج 11، ص 238، ح 14680) این روایت از *المحاسن* نقل شده و سند آن به عبد الکریم عن الحلبي تصحیح شده است. شایان یادآوری است که در *المحاسن* (ج 2، ص 336، ح 112) بخش دیگری از همان روایت با سند «عنه [احمد بن ابى عبد الله البرقى]، عن أبيه، عن ابن أبي عمير، عن حماد عن الحلبي» نقل شده است. در هر صورت، به قرینه سند قبلی، این روایات احتمالاً از عبيدالله است.

120. *الكافي*، ج 4، ص 184.

121. در منابع حدیثی، تنها دو روایت از عبيد الله الدهقان به الحلبي می‌رسد که یکی از آنها سند ذکر شده در متن است، و دیگری، سندی است در *المحاسن* (ج 2، ص 602، ح 28) به این عبارت: «عنه [أحمد بن أبى عبد الله البرقى]، عن أحمد بن نوح، عن شعيب النيسابورى، عن عبيد الله بن عبد الله الدهقان، عن أحمد بن عائذ، عن الحلبي». با مقایسه متن روایت *الكافي* و متن روایت *المحاسن*، می‌توان گفت که این دو، در حقیقت، یک روایت بوده که تقطیع شده است.

122. *الكافي*، ج 2، ص 639.

123. در منابع حدیثی، تنها همین روایت است که در آن يحيى الحلبي از عمويش عبيد الله روایت می‌کند.

124. همان، ج 4، ص 293.

125. این روایت در *تهذيب الأحكام* (ج 8، ص 277، ح 1) و *وسائل الشیعة* (ج 22، ص 343، ح 28746) به نقل از *الكافي* آمده است، اما سند آنها چنین است: «عن حماد، عن الحلبي، عن محمد بن مسلم». احتمالاً به جای عبارت عن محمد بن مسلم، عبارت و محمد بن مسلم صحیح است؛ همان گونه که در برخی اسناد دیگر آمده است، البته احتمال نقل حلبی از امام باقر □ را نیز باید در نظر داشت. این روایت در *النوادر* اشعری (ص 51، ح 94) نیز با عبارت «عن محمد بن مسلم قال: قلت لأبى جعفر □» نقل شده است، اما همین روایت در *الفتحية* (ج 3، ص 376، ح 4323) با عبارت «و روى عن على بن مهزيار قال: قلت لأبى جعفر الثاني □» نقل شده که جای تأمل است.

126. *الكافي*، ج 7، ص 449.

127. همان، ج 3، ص 6.

3. ابو علی الأشعری < محمد بن عبد الجبار < صفوان < ابن مسکان < محمد الحلبي (3).<sup>129</sup>
4. [ابو علی الأشعری < محمد بن عبد الجبار < صفوان < ابن مسکان < محمد الحلبي (1).<sup>130</sup>
5. ابو علی الأشعری < محمد بن عبد الجبار و محمد بن اسماعیل < الفضل بن شاذان<sup>131</sup> < صفوان < ابن مسکان < محمد الحلبي (1).<sup>132</sup>
6. ابو علی الأشعری < محمد بن عبد الجبار و محمد بن اسماعیل < الفضل بن شاذان جمعاً < صفوان بن يحيى < ابن مسکان < محمد الحلبي (1).<sup>133</sup>
7. ابو علی الأشعری < محمد بن عبد الجبار و محمد بن اسماعیل < الفضل بن شاذان جمعاً < صفوان بن يحيى < ابن مسکان < الحلبي (3).<sup>134</sup>
8. ابو علی الأشعری < محمد بن عبد الجبار و محمد بن اسماعیل < الفضل بن شاذان جمعاً < صفوان < ابن مسکان < الحلبي (2).<sup>135</sup>
9. ابو علی الأشعری < محمد بن عبد الجبار < صفوان بن يحيى < عبد الله بن مسکان < الحلبي (1).<sup>136</sup>
10. ابو علی الأشعری < محمد بن عبد الجبار < صفوان بن يحيى < ابن مسکان < الحلبي (3).<sup>137</sup>
11. ابو علی الأشعری < محمد بن عبد الجبار < صفوان < ابن مسکان < الحلبي (3).<sup>138</sup>
12. ابو علی الأشعری < محمد بن عبد الجبار < صفوان بن يحيى < عبد الله بن مسکان < يحيى الحلبي<sup>139</sup> < عبد الحميد الطائي < زرارة بن أعين (1).<sup>140</sup>

128. همان، ج 6، ص 233.

129. همان، ج 5، ص 185، 247؛ ج 6، ص 229.

130. همان، ج 5، ص 231.

131. تحویل این سند و اسناد بعدی به این صورت است: [1] ابو علی الأشعری، عن محمد بن عبد الجبار، عن صفوان. [2] محمد بن اسماعیل، عن الفضل بن شاذان، عن صفوان.

132. همان، ج 6، ص 231.

133. همان، ج 6، ص 233.

134. همان، ج 6، ص 207، 212؛ ج 7، ص 451.

135. همان، ج 4، ص 91؛ ج 6، ص 210.

136. همان، ج 3، ص 554.

137. همان، ج 4، ص 561؛ ج 6، ص 187، 414.

138. همان، ج 5، ص 245، 265، 284.

139. این روایت، با اندکی تفاوت، در *تفسیر العیاشی* (ج 1، ص 269، ح 247) با عبارت «زرارة قال: قلت لأبي عبد الله» نقل شده است. در *النوادر اشعری* (ص 127، ح 326) این روایت را از طریق «النضر بن سويد، عن الحلبي، عن عبد الحميد الكلبي، عن زرارة قال: قلت لأبي عبد الله» نقل شده که مراد از الحلبي در آن، يحيى الحلبي است. شيخ طوسی نیز در *تهذيب الأحكام* (ج 7، ص 304، ح 25) همین روایت را با سند «الحسين بن سعيد عن النضر بن سويد، عن يحيى الحلبي، عن عبد الحميد الطائي، عن زرارة، قال: قلت: لأبي عبد الله» آورده است. این روایت در *الكافي* (ج 5، ص 349، ح 7) با مضمونی مشابه و به طریق دیگر، «علي بن إبراهيم، عن أبيه، عن ابن أبي عمير، عن جميل بن دراج، عن زرارة قال: قلت لأبي جعفر»، و در ح 10 همان جا به طریق «الحسين بن محمد، عن معلى بن محمد، عن حسن بن علي الوشاء، عن جميل، عن زرارة، عن أبي جعفر» نقل شده است. چکیده این روایت نیز در *تهذيب الأحكام* (ج 7، ص 304، ح 26) به طریق «عنه [الحسين بن سعيد]، عن أحمد بن محمد، عن جميل، عن زرارة قال: قال أبو جعفر» نقل شده است. این مجموعه نشان می‌دهد که طریق روایت زرارة از عبد الحميد الطائي و جميل به دست ما رسیده است. از سوی دیگر، يحيى الحلبي به

13. ابو علی الأشعری < محمد بن عبد الجبار < صفوان < محمد بن اسماعیل < الفضل بن شاذان  
 < صفوان < محمد بن سنان جمیعاً < ابن مسکان < الحلبي (1).<sup>141</sup>
14. محمد بن اسماعیل < الفضل بن شاذان و ابو علی الأشعری < محمد بن عبد الجبار جمیعاً <  
 صفوان بن یحیی < ابن مسکان < الحلبي (1).<sup>142</sup>
15. [محمد بن اسماعیل < الفضل بن شاذان] < صفوان < عبد الله بن مسکان < محمد الحلبي  
 (1).<sup>143</sup>
16. محمد بن اسماعیل < الفضل بن شاذان < صفوان بن یحیی < عبد الله بن مسکان < محمد  
 الحلبي (1).<sup>144</sup>
17. محمد بن اسماعیل < الفضل بن شاذان < صفوان بن یحیی < ابن مسکان < محمد بن علی  
 الحلبي (1).<sup>145</sup>
18. محمد بن اسماعیل < الفضل بن شاذان < صفوان بن یحیی < ابن مسکان < محمد الحلبي  
 (2).<sup>146</sup>
19. محمد بن اسماعیل < الفضل بن شاذان < صفوان بن یحیی < ابن مسکان < الحلبي (1).<sup>147</sup>
20. محمد بن اسماعیل < الفضل بن شاذان < صفوان < ابن مسکان < محمد الحلبي (1).<sup>148</sup>
21. محمد بن اسماعیل < الفضل بن شاذان < صفوان < ابن مسکان < الحلبي (1).<sup>149</sup>
22. محمد < الفضل < صفوان <<sup>150</sup> محمد الحلبي (1).<sup>151</sup>
23. الحسين بن محمد < معلى بن محمد<sup>152</sup> < محمد بن جمهور<sup>153</sup> < صفوان < ابن مسکان <  
 الحلبي (1).<sup>154</sup>

واسطه عبد الحمید الطائی (از اصحاب امام باقر و امام صادق □) روایات متعددی نقل می‌کند، اما نقل ابن مسکان از او از نظر طبقه پذیرفتنی نیست. بنا بر این در سند *الكافي* یا قلب سند رخ داده و یا سند روایتی، با سقط متن، به سند روایت بعد متصل شده است.

140. *الكافي*، ج 5، ص 348.  
 141. همان، ص 384.  
 142. همان، ج 4، ص 108.  
 143. همان، ج 3، ص 525.  
 144. همان، ج 6، ص 58.  
 145. همان، ج 3، ص 473.  
 146. همان، ص 37، 517.  
 147. همان، ص 403.  
 148. همان، ج 7، ص 56.  
 149. همان، ص 112.  
 150. به قرینه اسناد قبل باید نام ابن مسکان از سند سقط شده باشد.  
 151. همان، ج 3، ص 89.  
 152. مراد، معلى بن محمد البصرى است.  
 153. مراد، محمد بن جمهور العمى است.  
 154. همان، ج 1، ص 415.

24. محمد بن یحیی < محمد بن الحسین <sup>155</sup> < صفوان بن یحیی < ابن مسکان < محمد الحلبي  
(1).<sup>156</sup>
25. محمد بن یحیی < احمد بن محمد < صفوان < ابن مسکان < الحلبي (1).<sup>157</sup>
26. حمید بن زیاد < ابن سماعه <sup>158</sup> < ابن رباط <sup>159</sup> و الحسين بن هاشم < <sup>160</sup> صفوان جميعاً <sup>161</sup> <  
ابن مسکان < الحلبي (1).<sup>162</sup>
27. حمید بن زیاد < ابن سماعه < ابن رباط و الحسين بن هاشم و صفوان جميعاً < ابن مسکان <  
الحلبي (1).<sup>163</sup>
28. محمد بن یحیی < احمد بن محمد < ابن محبوب < علی بن رئاب <sup>164</sup> < ابن مسکان <  
الحلبي (1).<sup>165</sup>
29. محمد بن یحیی < احمد بن محمد بن عیسی < ابن محبوب < علی بن الحسن بن رباط < ابن  
مسکان < الحلبي (1).<sup>166</sup>
30. محمد بن یحیی < احمد بن محمد < الحسين بن سعيد < فضالة بن أيوب < الحسين بن  
عثمان < ابن مسکان < الحلبي (1).<sup>167</sup>
31. محمد بن یحیی < احمد بن محمد < محمد بن سنان < ابن مسکان <sup>168</sup> < الحلبي (5).<sup>169</sup>

155. مراد، محمد بن الحسین بن أبی الخطاب است.

156. همان، ج 3، ص 518.

157. همان، ج 7، ص 442.

158. مراد، الحسن بن محمد بن سماعه است.

159. مراد، علی بن الحسن بن رباط است.

160. ظاهراً در این سند و به جای عن صحیح است؛ یعنی ابن سماعه به واسطه این سه تن (ابن رباط، حسین بن هاشم و صفوان) از ابن مسکان روایت می‌کند (قس: سند بعدی، نیز: تهذیب الأحکام، ج 8، ص 217؛ وسائل الشیعة، ج 23، ص 42). با این همه، شایان یادآوری است که در وسائل الشیعة (ج 22، ص 85) این روایت به نقل از الکافی با سند فوق آمده است.

161. ظاهراً تحویل سند به این صورت است: [1] حمید بن زیاد، عن ابن سماعه، عن ابن رباط، عن ابن مسکان. [2] حمید بن زیاد، عن ابن سماعه، عن الحسين بن هاشم، عن ابن مسکان. [3] حمید بن زیاد، عن ابن سماعه، عن صفوان، عن ابن مسکان.

162. الکافی، ج 6، ص 126.

163. همان، ج 6، ص 191.

164. با توجه به سند بعدی و نقل این روایت در تهذیب الأحکام (ج 9، ص 308، ح 21) و الاستبصار (ج 4، ص 160، ح 5)، با سند «عن أحمد بن محمد، عن الحسن بن محبوب، عن علی بن رباط، عن ابن مسکان» و با توجه به بسیاری روایات علی بن رباط از ابن مسکان - که در حدود 22 روایت است و بیشترین آنها از طریق ابن محبوب یا ابن سماعه - نقل شده است، علی بن رباط را باید تصحیف علی بن رباط دانست. از نظر طبقه نیز، علی بن رباط از اصحاب امام صادق □ است که حداکثر به یک واسطه از امام □ روایت می‌کند، در صورتی که در سند فوق دو واسطه میان او و امام □ آمده است. شایان یادآوری است که در سند روایتی در المحاسن (ج 2، ص 598) نیز عبارت «ابن محبوب، عن علی بن رباط، عن عبد الله بن مسکان، عن محمد بن مضارب، قال: قال أبو عبد الله □» آمده، که آن نیز قابل تأمل است.

165. الکافی، ج 7، ص 112.

166. همان، ج 7، ص 230.

167. همان، ج 3، ص 337.

168. روایات نقل شده به طریق «محمد بن یحیی، عن احمد بن محمد، عن محمد بن سنان، عن ابن مسکان» به الفاظ مختلف، حتی به صورت «عدة من أصحابنا» به جای «محمد بن یحیی» نزدیک به چهل بار در الکافی تکرار شده است.

169. همان، ج 3، ص 331، 440، 441؛ ج 4، ص 310، 513.



32. محمد بن یحیی < احمد بن محمد < ابن سنان < ابن مسکان < الحلبي (1).<sup>170</sup>
33. محمد < احمد بن محمد < محمد بن سنان < ابن مسکان < الحلبي (1).<sup>171</sup>
34. عدة من اصحابنا < سهل بن زياد < محمد بن سنان < عبد الله بن مسكان < الحلبي (1).<sup>172</sup>
35. علي بن محمد<sup>173</sup> < سهل بن زياد < محمد بن سنان < ابن مسكان < الحلبي (1).<sup>174</sup>
36. محمد < احمد < ابيه محمد بن عيسى<sup>175</sup> < ابن مسكان < الحلبي (1).<sup>176</sup>
37. علي بن ابراهيم < ابيه < عن ابن ابي عمير < علي بن اسماعيل < ابن مسكان<sup>177</sup> < محمد بن مسلم أو الحلبي (1).<sup>178</sup>
38. علي بن ابراهيم < ابيه < عبد الله بن المغيرة < ابن مسكان < محمد الحلبي<sup>179</sup> (1).<sup>180</sup>
39. محمد بن يحيى < محمد بن موسى<sup>181</sup> < العباس بن معروف < مروك بن عبيد < بعض اصحابنا<sup>182</sup> عن عبد الله بن مسكان < محمد الحلبي (1).<sup>183</sup>
40. [محمد بن يحيى عن احمد بن محمد و علي بن ابراهيم<sup>184</sup> < ابيه جميعاً عن] < ابن محبوب < ابي ايوب الخزاز < ابن مسكان < الحلبي (1).<sup>185</sup>

170. همان، ج 3، ص 59.

171. همان، ج 6، ص 126.

172. همان، ج 3، ص 185.

173. مراد، علی بن محمد علان کلینی است.

174. همان، ص 39.

175. در دو مورد از *الکافی*، طریق روایت «أحمد بن محمد بن عيسى، عن أبيه» به ابن مسکان می‌رسد: یک مورد، سند مذکور در متن است، و دیگری، در موردی است (*الکافی*، ج 1، ص 288) که عبد الله بن المغيرة میان محمد بن عيسى و ابن مسکان واسطه شده است؛ اما در *تهذيب الأحكام*، هشت روایت وجود دارد که طریق روایت «أحمد بن محمد بن عيسى، عن أبيه» به ابن مسکان می‌رسد: یک مورد، نقل همین روایت از *الکافی* است (*تهذيب الأحكام*، ج 8، ص 218)، در شش مورد، عبد الله بن المغيرة واسطه شده، و در یک مورد دیگر (*تهذيب الأحكام*، ج 4، ص 45)، ابن ابي عمير واسطه است. از این رو، احتمال سقط یکی از این دو واسطه (مخصوصاً عبد الله بن المغيرة) در این سند قوت می‌یابد.

176. همان، ج 6، ص 182.

177. در این سند ابن مسکان، بدون واسطه، از محمد بن مسلم روایت می‌کند.

178. همان، ج 2، ص 355.

179. در *تهذيب الأحكام* (ج 1، ص 147، ح 107) این روایت به نقل از *الکافی* با این سند آمده است: «عن محمد الحلبي، عن رجل، عن ابي عبدالله». همچنین در *تهذيب الأحكام* (ج 1، ص 147، ح 108)، متنی مشابه روایت نقل شده از *الکافی* را به این طریق نقل می‌کند: «أخبرني الشيخ - أيداه الله - ، عن أحمد بن محمد، عن أبيه، عن سعد بن عبد الله، عن أحمد بن محمد، عن أبيه و محمد بن خالد، عن عبد الله بن المغيرة، عن عبد الله بن مسكان، عن محمد بن علي الحلبي، عن رجل، عن ابي عبدالله». در *تهذيب الأحكام* (ج 1، ص 162، ح 38) طریق دیگری آمده است؛ به این ترتیب: «عنه [علي بن الحسن بن فضال]، عن محمد بن علي، عن محمد بن يحيى، عن غياث بن ابراهيم، عن أبي عبد الله»، عن أبيه عن علي». مضمون همین روایت در *الجعفریات* (ص 22) با سند «محمد حدثني موسى حدثنا أبي، عن أبيه، عن جده جعفر بن محمد، عن أبيه أن علياً» نقل شده است (نیز، رک: *دعائم الإسلام*، ج 1، ص 115)، که این روایت را از امام علی نقل می‌کند.

180. *الکافی*، ج 3، ص 45.

181. مراد، محمد بن موسی الهمدانی است.

182. در *تهذيب الأحكام* (ج 9، ص 60، ح 255) و *وسائل الشيعة* (ج 24، ص 40، ح 29934) این روایت به نقل از *الکافی* و با سند «عن بعض اصحابنا و عن عبد الله بن مسكان» آمده است. احتمال می‌رود که سند مذکور در *تهذيب الأحكام و وسائل الشيعة* صحیح باشد.

183. *الکافی*، ج 6، ص 236.

184. تحویل سند به این صورت است: [1] محمد بن يحيى، عن احمد بن محمد، عن ابن محبوب، [2] علی بن ابراهيم، عن أبيه، عن ابن محبوب.

41. علی بن ابراهیم < محمد بن عیسی بن عبید < یونس < ابن مسکان<sup>186</sup> < الحلبي (1).<sup>187</sup>
42. علی بن ابراهیم < محمد بن عیسی < یونس < عبد الله بن مسکان < الحلبي (1).<sup>188</sup>
43. علی بن ابراهیم < أبیه < ابن فضال < ابن ابی جمیلة<sup>189</sup> < محمد الحلبي (1).<sup>190</sup>
44. محمد بن یحیی < احمد بن محمد < ابن فضال < ابی جمیلة < محمد الحلبي (1).<sup>191</sup>
45. محمد بن یحیی < احمد بن محمد < ابن فضال < ابی جمیلة < محمد بن علی الحلبي (1).<sup>192</sup>
46. [عدة من أصحابنا] < احمد بن محمد < ابن فضال < ابی جمیلة < محمد بن علی الحلبي (1).<sup>193</sup>
47. عدة من أصحابنا < احمد بن محمد < ابن فضال < ابی جمیلة < الحلبي (1).<sup>194</sup>
48. عدة من أصحابنا < احمد بن محمد < ابن فضال < ابی جمیلة < محمد الحلبي (3).<sup>195</sup>
49. عدة من أصحابنا < احمد بن محمد بن خالد < ابن فضال < ابی جمیلة < محمد الحلبي (1).<sup>196</sup>
50. عدة من أصحابنا < احمد بن محمد بن عیسی < ابن فضال<sup>197</sup> < المفضل بن صالح < محمد بن علی الحلبي (1).<sup>198</sup>
51. عدة من أصحابنا < سهل بن زیاد < احمد بن محمد بن ابی نصر < ابی جمیلة < الحلبي (1).<sup>199</sup>

185. همان، ج 5، ص 443.
186. طریق «علی بن ابراهیم، عن محمد بن عیسی، عن یونس، عن ابن مسکان» در حدود سی بار در *الكافي* تکرار شده است.
187. همان، ج 4، ص 91.
188. همان، ج 7، ص 278.
189. همین روایت در *التوحيد* (ص 329، ج 5) با سند «عن أبیه □ قال: حدثنا علی بن ابراهیم بن هاشم، عن أبیه، عن ابن فضال، عن ابی جمیلة، عن محمد الحلبي، عن أبی عبد الله □» نقل شده است. بنا بر این، ابن ابی جمیلة تصحیف ابی جمیلة است.
190. *الكافي*، ج 2، ص 13.
191. همان، ج 2، ص 318.
192. همان، ج 8، ص 310.
193. همان، ج 5، ص 528.
194. همان، ج 2، ص 13.
195. همان، ج 1، ص 404، 443؛ ج 2، ص 82. روایت منقول در ج 1، ص 443، ج 15، در *بصائر الدرجات* (ص 83) با سند «عن احمد بن محمد و یعقوب بن یزید، عن الحسن بن علی بن فضال» نقل شده است.
196. *الكافي*، ج 2، ص 421.
197. در *تفسیر القمي* (ج 2، ص 388) این روایت با سند «أحمد بن إدريس قال: حدثنا أحمد بن محمد، عن الحسن بن علی بن فضال، عن المفضل بن صالح، عن محمد بن علی الحلبي» نقل شده است.
198. *الكافي*، ج 1، ص 423.
199. همان، ج 7، ص 359.

52. عدة من أصحابنا < احمد بن محمد > ابن فضال < ابی جمیلة > محمد الحلبي <

زراره<sup>200</sup> (1).<sup>201</sup>

53. محمد بن یحیی < احمد بن محمد > علی بن الحکم<sup>202</sup> < ابی جمیلة المفضل بن صالح

< محمد الحلبي و زرارة و محمد بن مسلم < ابی جعفر و أبی عبد الله □ (1).<sup>203</sup>

54. ابو علی الأشعری < محمد بن حسان<sup>204</sup> < محمد بن علی<sup>205</sup> < ابی جمیلة < الحلبي و

زرارة و محمد بن مسلم و حمران بن أعین < ابی جعفر و أبی عبد الله □ (1).<sup>206</sup>

55. ابو علی الأشعری < محمد بن حسان < محمد بن علی < ابی جمیلة < الحلبي و زرارة

أيضاً و محمد بن مسلم و حمران بن أعین < ابی جعفر و أبی عبد الله □ (1).<sup>207</sup>

56. محمد بن احمد بن الصلت < عبد الله بن الصلت<sup>208</sup> < یونس < المفضل بن صالح < محمد

الحلبي (1).<sup>209</sup>

57. حمید بن زیاد < ابن سماعه<sup>210</sup> < غیر واحد<sup>211</sup> < أبان بن عثمان < محمد الحلبي

(2).<sup>212</sup>

58. حمید بن زیاد < ابن سماعه < غیر واحد < أبان < محمد الحلبي (1).<sup>213</sup>

59. محمد بن یحیی < عبد الله بن محمد < علی بن الحکم<sup>214</sup> < أبان بن عثمان < محمد الحلبي

< قال سألته □ (1).<sup>215</sup>

200. روایاتی که با طریق «محمد الحلبي، عن زرارة» روایت شده، عبارت‌اند از: سند مذکور در متن *المحاسن*، ج 1، ص 121، ح 135؛ *ثواب الأعمال*، ص 242؛ *تأویل الآيات الظاهرة*، ص 377 (نیز: *بحار الأنوار*، ج 24، ص 136، ح 10)، *شواهد التنزيل*، ج 2، ص 273، ح 905 که در همه آنها مفضل بن صالح از محمد حلبي روایت می‌کند. نکته محل تأمل، مشابهت اسناد مذکور در این منابع با اسناد بعدی مذکور در *الكافي* است.

201. *الكافي*، ج 5، ص 529.

202. مراد، علی بن الحکم الأنباری است.

203. همان، ج 7، ص 447.

204. مراد، محمد بن حسان الرازی است.

205. مراد، محمد بن علی أبو سمینة است.

206. همان، ج 6، ص 402.

207. همان، ص 404.

208. بنا بر اشاره کلینی ( *الكافي*، ج 8، ص 334، ح 523) ابی طالب عبد الله بن الصلت القمی عمومی محمد بن أحمد بن علی بن الصلت بوده است. ظاهراً محمد بن أحمد بن علی بن الصلت راوی کتاب *عمویش* - که از اصحاب امام رضا است - بوده است. نام او را در بیشتر اسناد روایات *عمویش* می‌توان دید.

209. *الكافي*، ج 8، ص 267.

210. مراد، الحسن بن محمد بن سماعه است.

211. حدود یکصد و پنجاه روایت در *الكافي* هست که «حمید بن زیاد، عن الحسن بن محمد بن سماعه» با واسطه‌های مختلف از أبان بن عثمان روایت می‌کند. از واسطه‌های میان ابن سماعه و أبان، در حدود 92 روایت، با تعبیر «عن غیر واحد»، در شش روایت با تعبیر «عن بعض أصحابه»، در پنج روایت با تعبیر «عن ذکره»، و در سه روایت با تعبیر «عدة من أصحابنا» یاد شده است. البته در تعدادی از روایات، این افراد مشخص شده‌اند. در یازده روایت «عن جعفر بن سماعه» یا «عن جعفر بن سماعه و غیره»، در 27 روایت، «عن احمد بن الحسن الميثمي»، در دو روایت «عن أحمد بن عدیسی»، در یک روایت «عن محمد بن ایوب، عن أحمد بن محمد بن ابی نصر»، و در یک روایت «عن محسن بن احمد» آمده است. به نظر می‌رسد این واسطه‌ها از مشایخ و افراد مشهور بوده و مانند عدة من أصحابنا در روایات کلینی مورد اعتماد اصحاب بوده‌اند.

212. همان، ج 4، ص 400، 405.

213. همان، ص 346.

60. محمد بن یحیی < احمد بن محمد < علی بن الحکم < أبان < الحلبي (1).<sup>216</sup>
61. محمد بن یحیی < احمد بن محمد < ابن محبوب < أبان < الحلبي (1).<sup>217</sup>
62. محمد بن یحیی < احمد بن محمد < البرقي < أبان < الحلبي (1).<sup>218</sup>
63. [محمد بن یحیی] < احمد بن محمد < الحسين بن سعيد < فضالة < بن ایوب < أبان < محمد الحلبي (1).<sup>219</sup>
64. محمد بن یحیی < احمد بن محمد < بعض أصحابه < أبان < محمد الحلبي (1).<sup>220</sup>
65. علی بن ابراهیم < أبيه < احمد بن محمد بن ابی نصر < أبان بن عثمان < محمد بن علی الحلبي (1).<sup>221</sup>
66. الحسين بن محمد الأشعري < معلى بن محمد < الحسن بن علی<sup>222</sup> < أبان < محمد الحلبي (1).<sup>223</sup>
67. الحسين بن محمد < معلى بن محمد < بعض أصحابنا < أبان بن عثمان < الحلبي و ابی بصیر و ابی العباس جميعاً < (1).<sup>224</sup>
68. ابو علی الأشعري < محمد بن عبد الجبار و محمد بن جعفر ابو العباس الرزاز < ایوب بن نوح جميعاً<sup>225</sup> < صفوان < منصور بن حازم < ابی بصیر الأسدي و محمد بن علی الحلبي و عمر بن حنظلة (1).<sup>226</sup>
69. محمد بن یحیی < احمد بن محمد < محمد بن إسماعيل < منصور بن یونس < محمد الحلبي < أبی جعفر □ (1).<sup>227</sup>
70. محمد بن اسماعيل < الفضل بن شاذان < صفوان < اسحاق بن عمار < محمد الحلبي (1).<sup>228</sup>

214. در *الكافي* طریق «محمد بن یحیی، عن عبد الله بن محمد، عن علی بن الحکم، عن أبان بن عثمان» در حدود 55 بار تکرار شده است. بنابراین از طرق مشهور به شمار می‌رود.

215. همان، ج 6، ص 211.

216. همان، ص 467.

217. همان، ج 7، ص 220.

218. همان، ج 3، ص 57.

219. همان، ج 4، ص 482.

220. همان، ج 5، ص 184.

221. همان، ج 2، ص 7.

222. مراد، الوشاء است.

223. همان، ج 4، ص 296.

224. همان، ج 7، ص 134.

225. تحویل سند به این صورت است: [1] أبو علی الأشعري، عن محمد بن عبد الجبار، عن صفوان، عن منصور بن حازم، عن أبی بصیر الأسدي و محمد بن علی الحلبي و عمر بن حنظلة. [2] محمد بن جعفر أبو العباس الرزاز، عن ایوب بن نوح، عن صفوان، عن منصور بن حازم، عن أبی بصیر الأسدي و محمد بن علی الحلبي و عمر بن حنظلة.

226. همان، ج 6، ص 71.

227. همان، ج 5، ص 290.

71. عدة من أصحابنا < احمد بن محمد البرقي > أبيه < بعض أصحابه > ايوب بن الحر < محمد

بن علي الحلبي (1).<sup>229</sup>

سه. فهرست غير تكراري روايات الكافي كه مردّد ميان عبيد الله بن علي حلبي و برادرش محمد است.

1. محمد بن يحيى < احمد بن محمد > علي بن الحكم<sup>230</sup> < أبي المغراء<sup>231</sup> > الحلبي (5).<sup>232</sup>
2. محمد بن يحيى < احمد بن محمد بن عيسى > بعض أصحابه<sup>233</sup> < أبي المغراء > الحلبي (1).<sup>234</sup>
3. عدة من أصحابنا < احمد بن محمد > من ذكره<sup>235</sup> < أبي المغراء > الحلبي (1).<sup>236</sup>
4. [عدة من أصحابنا] < احمد بن محمد > (عن رجل)<sup>237</sup> < أبي المغراء > الحلبي (1).<sup>238</sup>
5. احمد بن محمد و علي بن ابراهيم < أبيه جميعاً > ابن ابي عمير < أبي المغراء > الحلبي (1).<sup>239</sup>
6. [محمد بن يحيى] < أحمد بن محمد > الوشاء < أبي المغراء > الحلبي<sup>240</sup> (1).<sup>241</sup>

228. همان، ج 3، ص 38.

229. همان، ج 6، ص 328.

230. مراد، علي بن الحكم الأتباري است.

231. مراد، حميد بن المنثري است.

232. همان، ج 6، ص 213، 237، 260؛ ج 7، ص 392، 393. تکرار این سند از أبي المغراء تا محمد بن يحيى در کتاب الأَطعمة در الكافي، ج 6 می‌تواند قرينه اخذ این روایات از کتاب أبي المغراء باشد.

233. در الكافي، 29 روایت هست که در آنها احمد بن محمد بن عيسى، با واسطه، از أبي المغراء نقل می‌کند: در یازده مورد علی بن الحکم، در نه مورد الحسین بن سعید عن فضالة بن أيوب، در چهار مورد ابن فضال، و الوشاء، ابن ابي عمير، بعض أصحابه، من ذكره، و رجل (هر کدام یک مورد) واسطه بوده‌اند. با توجه به این که هر سه مورد از طرق مهم است و دو مورد از موارد شاذ، احتمال نقل مستقیم روایت از کتاب محمد یا عبيد الله در این 29 مورد تضعیف می‌شود. به نظر می‌رسد این روایات از یکی از کتاب‌های احمد بن محمد بن عيسى اخذ شده باشد. تعبیر «عن ذكره» به خوبی این احتمال را تقویت می‌نماید.

234. همان، ج 2، ص 322.

235. این روایت در تهذيب الاحکام (ج 7، ص 25) با اضافاتی در آغاز، از طریق «أحمد بن محمد بن عيسى، عن علي بن حديد، عن أبي المعزى» نقل شده است. شایان یادآوری است که أبي المغراء در سند تهذيب الاحکام به صورت ابي المعزى ضبط شده است. افزون بر این، بخشی از همان روایت در تهذيب الاحکام (ج 7، ص 24) با این سند آمده است: «عنه [الحسين بن سعيد]، عن ابن أبي عمير، عن حماد عن الحلبي». کلینی ( الكافي، ج 5، ص 1258) بخش نخست روایت منقول در تهذيب الاحکام را با این سند نقل می‌کند: «علي بن إبراهيم، عن أبيه، عن ابن أبي عمير، عن حماد عن الحلبي». همچنین قسمتی از همان روایت در الفقيه (ج 3، ص 201) با تعبیر «روی الحلبي» نقل شده که شاید مراد، عبيد الله است.

236. الكافي، ج 5، ص 173.

237. در نقل وسائل الشيعه (ج 19، ص 155) از الكافي، تعبیر «عن رجل» وجود ندارد، اما در تهذيب الاحکام (ج 7، ص 214) این عبارت آمده است. شاید در چاپ الكافي عبارت «عن رجل» به نقل از تهذيب الاحکام در قلاب افزوده شده است.

238. الكافي، ج 5، ص 289.

239. همان، ج 5، ص 221.

240. بخش نخست این روایت، با اختلافاتی، در تهذيب الاحکام (ج 7، ص 16، ح 69) با این سند نقل شده است: «عنه [الحسين بن سعيد]، عن ابن أبي عمير، عن حماد بن عثمان، عن الحلبي». گفتنی است که عبارت تهذيب الاحکام صرف نظر از تقطیع بخش نخست، از استحکام بیشتری برخوردار است. در نقل وسائل الشيعه (ج 18، ص 128) از الكافي، عبارت «عن الحلبي» نیامده است.

با توجه به قرآینی که در پانوشتها به آنها اشاره شده است، احتمال نقل این گروه از روایات، از یکی از کتابهای احمد بن محمد بن عیسی قوت می‌یابد. تعبیر «عمن ذکرة» و «عن بعض اصحابه» دلیل استواری بر این برداشت است و احتمال ناخوانا بودن نسخه کتاب احمد بن محمد را بیشتر می‌کند. به نظر می‌رسد روایاتی که از طریق ابی المغراء از حلبی در این کتاب آمده، باید از جمله روایاتی باشد که در نسخه مشهور کتاب عبیدالله و علی ذکر نشده است. اما این که مراد از حلبی در این روایات کدام یک از ایشان، یعنی عبیدالله یا محمد است، به درستی روشن نیست. تطبیق برخی از این احادیث با روایات بر گرفته از نسخه کتاب عبیدالله - که به دست حسین بن سعید و شیخ صدوق رسیده - احتمال اخذ ابی المغراء از روایات کتاب عبیدالله را تقویت می‌کند.

7. عده من أصحابنا < احمد بن محمد < ابن محبوب < ابی ایوب الخزاز<sup>242</sup> < الحلبي (1).<sup>243</sup>

8. عنه [= علی بن ابراهیم] < ابيه < ابن محبوب < ابی ایوب < الحلبي (1).<sup>244</sup>

9. [محمد بن یحیی، عن احمد بن محمد و علی بن ابراهیم، عن ابيه جميعاً] < ابن محبوب < ابی ایوب < الحلبي و ابی عبیده (1).<sup>245</sup>

به نظر می‌رسد این سه روایت از کتاب ابن محبوب اخذ شده است. سند موجود در روایت سوم با توجه به تعبیر «جميعاً» این احتمال را تقویت می‌کند. در این سه طریق نیز مراد از حلبی آشکار نیست.

#### 4. نتیجه گیری

یک. چینش اسناد روایات به گونه‌ای که ارائه شد، به خوبی طریق نقل یک منبع از منابع *الكافي* را به دست می‌دهد.

دو. چینش اسناد با این تنظیم، کمک شایانی در کشف رویان مشترک و شاید نام سقط شده از سلسله سند می‌کند.

سه. این شیوه تنظیم و ترتیب *الاسانید* مرحوم آیه الله بروجردی □، نقش مکمل یکدیگر را در رفع ابهامات اسناد ایفا می‌کنند. تفاوت این دو شیوه در آن است که در این روش طرق نقل از منابع نیز آشکار می‌شود، ولی در شیوه *ترتیب الاسانید* تنها سلسله مشایخ و شاگردان به دست خواهد آمد.

چهار. کلینی در تألیف کتاب *الكافي* از نسخه‌های مختلف کتاب عبیدالله بن علی حلبی استفاده کرده است. این مطلب را می‌توان از طرق مختلفی - که به کتاب این راوی می‌رسد - دریافت.

241. *الكافي*، ج 5، ص 145.

242. مراد، ابو ایوب، ابراهیم بن عثمان الخزاز است.

243. همان، ج 7، ص 176. به قرینه روایت *الكافي* (ج 5، ص 443)، شاید راوی پیش از واسطه میان الحلبي و الخزاز، ابن مسکان بوده که از سند ساقط گردیده است. در این صورت، مراد از الحلبي نیز محمد خواهد بود.

244. همان، ج 8، ص 156.

245. همان، ج 7، ص 299.

پنج. حماد بن عثمان در بیشتر منابع، فهرستی و سلسله اسناد روایات عبیدالله به عنوان راوی این کتاب مطرح شده است. از این رو، به نظر می‌رسد، نسخه حماد از کتاب عبیدالله حلبی مقبول‌ترین و مشهورترین نسخه از این کتاب بوده و کلینی نیز از همان استفاده کرده است.

شش. اصلی‌ترین نسخه‌ای که کلینی بر آن اعتماد نموده و بیشتر روایات کتاب عبیدالله را از آن نقل کرده است، نسخه‌ای است که از طریق علی بن ابراهیم < پدرش > ابن ابی عمیر < حماد > عبیدالله حلبی به دستش رسیده است. این سند با تعابیر مختلف بیش از چهارصد بار در *الکافی* آمده است. با توجه به وجود طریق علی بن ابراهیم < پدرش > در این طریق - که طریق نقل کتب کوفیان به قم بوده - ، این طریق و طرق مشابه آن، طریق اصلی نقل روایات از کتاب حلبی بوده است.

هفت. به نظر می‌رسد دلیل اختلاف تعبیر در نام راویان در اسناد کتاب *الکافی* فقط تفنن در تعبیر نباشد. این اختلاف می‌تواند با ملاحظه برخی قراین، حاکی از تعدد نسخه باشد. این‌که مشایخ و کتابان هر یک از نسخه‌ها - که خود از راویان برجسته محسوب می‌شوند - ، در تعبیر از دیگران، اصطلاحی را پیشه کرده باشند که نزد ایشان حکم علم را یافته باشد و کلینی، به درستی، همان تعبیر را نقل کرده باشد، دور از ذهن نمی‌نماید. نمونه آن را می‌توان در اختلاف عنوان حماد در تعابیر «حماد»، «حماد بن عثمان» و «حماد بن عثمان ذو‌الناص» مشاهده نمود.

هشت. احتمال این‌که کلینی برخی از روایات کتاب عبیدالله حلبی را از منابع واسطه‌ای مانند کتاب ابن ابی عمیر نقل کرده باشد، وجود دارد. وجود سلسله اسنادی چون علی بن ابراهیم < ائیه > و محمد بن یحیی < احمد بن محمد بن عیسی جمیعاً > ابن ابی عمیر < حماد بن عثمان > الحلبی، عده من أصحابنا < احمد بن محمد > احمد بن محمد < ابن ابی عمیر > حماد بن عثمان < الحلبی، و عده من أصحابنا < سهل > احمد بن محمد < داود بن سرحان و علی بن ابراهیم > ائیه < ابن ابی عمیر > حماد < الحلبی، این احتمال را قوت می‌بخشد.

نه. از عطف سایر راویان به عبیدالله حلبی، احتمال تصرف در نسخه کتاب و یا در نقل روایت از او در یک منبع واسطه وجود دارد. نمونه آن، اسنادی چون ابن ابی عمیر < حماد > الحلبی و محمد بن مسلم، و علی بن ابراهیم < ائیه > ابن ابی عمیر < جمیل عن ابی عبدالله > و حماد بن عثمان عن الحلبی است. گفته محمد بن الحسن الصفار در *معانی الأخبار* نیز این احتمال را تأیید می‌کند. او در این باره می‌گوید: «کل ما کان فی کتاب الحلبی و فی حدیث آخر، فذلک قول محمد بن ابی عمیر رحمه الله».

ده. درباره روایات عبد الله بن بکیر و احمد بن عائد و برخی راویان دیگر از عبیدالله بن علی حلبی، چند احتمال را می‌توان طرح نمود: الف. این روایات در کتاب عبیدالله موجود نبوده و از نقل‌های شفاهی وی در سایر منابع نقل شده است؛ ب. نقل این روایات از نسخه غیر مشهور کتاب وی بوده است؛ ج. متن موجود در این منابع نزد کلینی، اتقان بیشتری از متن موجود در نسخه مشهور کتاب داشته است؛ د. در زمان تألیف آن بخش از *الکافی*، متن موجود در این منابع در دسترس کلینی بوده و وی نیازی به تلاش برای یافتن این روایت در کتاب حلبی ندیده است.

یازده. با بررسی روایات ابن مسکان با تعبیر حلبی، روشن می‌شود که در هیچ روایتی نام عبید الله به شکل صریح ذکر نشده، اما در روایات بسیاری، از محمد نام برده شده است. با توجه به گستردگی روایات ابن مسکان از محمد بن علی حلبی احتمال نقل وی از عبید الله منتفی است. همچنین، می‌توان وی را راوی اصلی کتاب محمد قلمداد کرد.

دوازده. در کنار ابن مسکان، از ابو جمیله مفضل بن صالح و ابان بن عثمان نیز باید به عنوان دیگر راویان کتاب محمد حلبی یاد نمود.

سیزده. کلینی بیشتر روایات ابن مسکان از محمد حلبی را از طریق صفوان بن یحیی نقل کرده است. طریق مشهور کلینی به صفوان از ابن مسکان، «ابو علی الأشعری، عن محمد بن عبد الجبار، عن صفوان، عن ابن مسکان، عن الحلبي» است.

چهارده. در کنار صفوان، کلینی روایات حلبی را از ابن مسکان با واسطه ابن سنان از طریق «محمد بن یحیی، عن احمد بن محمد، عن ابن سنان، عن ابن مسکان عن الحلبي» نقل کرده است. پانزده. وجود اسنادی چون «ابو علی الأشعری، عن محمد بن عبد الجبار و محمد بن اسماعیل، عن الفضل بن شاذان جمیعاً عن صفوان، عن ابن مسکان، عن الحلبي» و «محمد بن اسماعیل، عن الفضل بن شاذان و ابو علی الأشعری، عن محمد بن عبد الجبار جمیعاً عن صفوان بن یحیی، عن ابن مسکان، عن الحلبي»، احتمال جمع آوری روایات از سوی صفوان و درج این روایات در کتابش را تقویت می‌کند. شانزده. از سوی دیگر، وجود طرقی مانند «ابو علی الأشعری، عن محمد بن عبد الجبار، عن صفوان و محمد بن اسماعیل، عن الفضل بن شاذان، عن صفوان و محمد بن سنان جمیعاً، عن ابن مسکان، عن الحلبي» و «حمید بن زیاد، عن ابن سماعة، عن ابن رباط و الحسین بن هاشم، عن صفوان جمیعاً، عن ابن مسکان، عن الحلبي»، طریق بودن شخصیت‌هایی چون صفوان، محمد بن سنان و علی بن رباط را محتمل می‌نماید. این بدان معناست که همه یا بخش قابل توجهی از کتاب محمد بن علی حلبی در کتاب ابن مسکان درج شده، و این مشایخ فقط کتاب ابن مسکان را روایت کرده‌اند. قول نجاشی - که اکثر روایات کتاب ابن مسکان در «حلال و حرام» را از محمد بن علی حلبی دانسته - این احتمال را تقویت می‌کند.

هفده. طریق دیگر کلینی به روایات محمد حلبی، به واسطه مفضل بن صالح و از طریق بنی فضال بوده است. این طریق، به صورت «عدة من أصحابنا/ محمد بن یحیی، عن احمد بن محمد، عن ابن فضال، عن ابی جمیلة، عن محمد الحلبي» در *الکافی* گزارش شده است.

هیجده. ابان بن عثمان دیگر راوی کتاب محمد بن علی حلبی است. تعدد راویان از ابان در *الکافی*، احتمال درج کتاب محمد در کتابی از ابان و سپس انتشار آن در مصنفات اصحاب را به شدت تقویت می‌کند. راویانی چون علی بن الحکم، ابن محبوب، بزندی، برقی و فضالة، از بزرگانی هستند که خود صاحب تألیف بوده‌اند و آثار ارجمندی به ایشان نسبت داده شده است. وجود اسنادی چون «حمید بن زیاد، عن ابن سماعة، عن غیر واحد، عن ابان، عن محمد الحلبي» این احتمال را تأیید می‌نماید.



نوزده. نقل گسترده روایات محمد حلبی در میراث بزرگان فطحیه (در طریق «عده من اصحابنا، عن أحمد بن محمد، عن ابن فضال، عن ابی جمیلة، عن محمد الحلبي») و واقفیه (در طریق «حمید بن زیاد، عن ابن سماعه، عن غیر واحد، عن أبان، عن محمد الحلبي») در خور تأمل است. بیست. پیداست که مشکل اصلی در تعیین طریق بودن یک راوی یا اخذ روایت از کتاب او (در مواردی که روایان موجود در طریق خود نیز صاحب کتابی بوده‌اند)، از آنجا ناشی می‌شود که کلینی در نقل روایات خویش به ذکر طریق اکتفا نموده و فهرستی جامع از منابع خود به دست نداده است.

### کتابنامه<sup>246</sup>

- «درنگی در منابع مکتوب الايضاح»، سید محمد عمادی حایری، *فصلنامه علوم حدیث*، ش 39، بهار 1385 ش.
- *فهرست أسماء مصنفی الشيعة (رجال النجاشی)*، احمد بن علی نجاشی، به کوشش: سید موسی شبیری زنجانی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، هفتم، 1424 ق.
- *فهرست کتب الشيعة و اصولهم و أسماء المصنفين و اصحاب الاصول، (الفهرست)* محمد بن حسن طوسی، به کوشش: سید عبدالعزیز طباطبایی، قم: مکتبه المحقق الطباطبایی، اول، 1420 ق.
- *کتاب من لا يحضره الفقيه*، محمد بن علی بن بابویه (صدوق)، به کوشش: علی اکبر غفاری، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، دوم، 1404 ق.
- *الكافي*، محمد بن یعقوب کلینی، به کوشش: علی اکبر غفاری، تهران: دار الکتب الإسلامیة، اول، 89 - 1388 ق.

246. در این فهرست تنها به ذکر منابع اصلی بسنده کرده‌ایم. دیگر منابعی که در پانویشتها بدان‌ها ارجاع داده‌ایم، از طریق نرم‌افزار جامع الاحادیث (تولید مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی قم) مورد استفاده قرار گرفته است.